

نارضائی و ناراضی تراشی

نارضائی موریانه ضدانقلابی فرساینده انقلاب است؛ همانطور که رضایت توده‌ها از نتایج انقلاب، مقوی انقلاب است. نارضائی

توده‌ها از نتایج انقلاب، پایه‌های انقلاب را موریانه‌وار میخورد و آنها را سست میکند. ضدانقلاب متشکل یکی از

عمده‌ترین وظائف خود را ایجاد و دامن زدن به نارضائیا می‌داند، تا بدین وسیله انقلاب را آسیب‌پذیر کند. ضدانقلاب غیرمتشکل، متحد فعال ضدانقلاب متشکل در ایجاد جو نارضائی است. ضدانقلاب بطور عمده از دو راه این «وظیفه» را انجام میدهد: یکی ایجاد دشواری‌های مصنوعی در راه پیشرفت انقلاب، کارشکنی در هر تدبیر و عمل انقلابی، که بسود توده‌های مردم است؛ و یکی بهره‌برداری



شماره ۲۷۷ - چهارشنبه ۱۳ خرداد ۱۳۶۰ - دوره هفتم، سال سوم
۲۹ رجب ۱۴۰۱ - بها: ۱۵ ریال

حزب توده ایران در راه پیمائی ۱۵ خرداد شرکت میکند

روز جمعه ۱۵ خرداد ۱۳۶۰ مصادف است با هجدهمین سالگرد قیام خونین ۱۵ خرداد ۱۳۴۲. در این روز مردم ایران برهبری امام خمینی، در قیام خونین، که ۱۵ هزار شهید بجا گذاشت، با فریادهای خروشان خود خواستار سرنگونی رژیم دست‌نشانده استبدادی شاه ملعون شدند.

اکنون، در سومین بهار آزادی، مردم قهرمان ایران، بیاد آنروز تاریخی، در یک راه‌پیمائی سراسری شرکت میکنند، تا باردیگر اتحاد خلل‌ناپذیر خود را برای ادامه مبارزه برضد امپریالیسم، بسرکردگی آمریکا، و دفاع از انقلاب و جمهوری اسلامی ایران به همه جهانیان اعلام دارند.

کمیته مرکزی حزب توده ایران همه اعضا، هواداران و دوستان حزب، همه نیروهای انقلابی و میهن دوست را فرا میخواند که با شرکت هرچه وسیعتر خود در راه‌پیمائی ۱۵ خرداد، خاطره شهیدان این قیام تاریخی را گرمی بدارند و پیمان خود را برای ادامه پیکار شهیدان راه استقلال، آزادی و ترقی ایران تجدید کنند.

دبیر خانه کمیته مرکزی حزب توده ایران
۱۳۶۰ خرداد ۱۲

محل و ساعت شروع راه‌پیمائی توسط برگزار - کنندگان مراسم، از رسانه‌های گروهی اعلام خواهد شد.

به مناسبت هجدهمین سالگرد قیام تاریخی
۱۵ خرداد - قسمت دوم
جلادان شاه - آمریکا
۱۵ هزار نفر را سلاخی کردند
صفحه ۳

لازمه انقلاب فرهنگی تعطیل دانشگاهها نیست

پاسخ سازمان جوانان توده ایران به مقاله نشریه «وحدت»:
ما، نمایندگان «دفتر تحکیم وحدت انجمن‌های اسلامی و سازمان‌های دانشجویان مسلمان» را به مناظره در باره «انقلاب فرهنگی» و «مسئله دانشگاهها» دعوت می‌کنیم!

«وحدت» نشریه «دفتر تحکیم وحدت انجمن‌های اسلامی و سازمان‌های دانشجویان مسلمان» اردیبهشت ۱۳۶۰ - در مقاله‌ای تحت عنوان «انقلاب فرهنگی و دیدگاهها» به بررسی مواضع گروهها و سازمان‌های مختلف در قبال «انقلاب فرهنگی» پرداخته است.

نویسنده مقاله، در بخش مربوط به حزب توده ایران و دانشجویان توده‌ای، پس از دشنام و اتهام‌زنی‌هایی چند، مواضع سازمان ما را به شکل تحریف‌شده زیر بیان کرده است:

«... هواداران این حزب که تحت نام دانشجویان دمکرات در دانشگاه‌ها فعالیت می‌کردند، بنامه دستور سران خود، علیرغم مخالفت‌های ایدئولوژیکی و فرهنگی با انقلاب فرهنگی، زمینه را برای شرکت خود مناسب نیافتند و صحنه را ترک نمودند، درحالی که از تعطیل دانشگاه عصبانی و ناراحت بودند.»

(نشریه «وحدت»، اردیبهشت ۱۳۶۰، صفحه ۴۵)
ما به آن بخش از مقاله، که به دشنام و توهمین علیه حزب توده ایران پرداخته است، پاسخ نمی‌گوییم. ما متأسفیم که نویسنده مقاله در راهی قدم گذارده که بارها در تاریخ میهن ما امتحان شده و مجریان این نوع برخوردهای بی‌پایه و نادرست روستفید از آزمون تاریخ بیرون نیامده‌اند.

اما در بخشی که مربوط به مواضع حزب توده ایران و دانشجویان توده‌ای در قبال «انقلاب فرهنگی» است، توضیح چند نکته را ضرور میدانیم: نویسنده مقاله مدعی است که گویا حزب توده ایران و دانشجویان هوادار آن با انقلاب فرهنگی «مخالفت ایدئولوژیکی و فرهنگی» دارند. منظور نویسنده درست مفهوم نیست که: آیا به ادعای وی حزب توده ایران و سازمان ما اصولاً با انقلاب فرهنگی مخالفتند و یا با آنچه که تحت نام «انقلاب فرهنگی» در بهار ۵۹ روی داد و منجر به تعطیل دانشگاهها و مدارس عالی کشور شد؟

در باره انقلاب فرهنگی، حزب توده ایران و سازمان ما بارها نظریات خویش را بیان داشته‌اند. ما انقلاب فرهنگی را لازمه هر انقلاب اجتماعی می‌دانیم و معتقدیم که برای دگرگونی بنیادی جامعه، تنها دگرگونی در مناسبات سیاسی و اقتصادی

کافی نیست، بلکه همپای آن تغییر ریشه‌ای در فرهنگ جامعه، و از جمله در نظام آموزشی، لازم و ضرور است. حزب توده ایران نخستین سازمان سیاسی بود که، از بدو موجودیت خویش، مسئله انقلاب فرهنگی را در ایام هم‌جانبه آن در جامعه ما مطرح ساخت. در اسناد حزب توده ایران، از جمله برنامه قبلی حزب - مصوب ۱۳۵۴ - و برنامه جدید مصوب هجدهمین پلنوم (وسیع) کمیته مرکزی حزب توده ایران - فروردین ۱۳۶۰ - اجراء این انقلاب فرهنگی بطور مشخص و هم‌جانبه بیان شده است.

دانشجویان توده‌ای نیز نخستین گروه دانشجویی بودند که پس از پیروزی انقلاب شکوهمند بهمن ۱۳۵۷، - در نشریه خود، آرمان، شماره ۲، مورخه ۱۲/۲۳/۱۳۵۷ - ضرورت انقلاب فرهنگی و از جمله دگرگونی بنیادی نظام آموزشی به نفع توده‌های محروم و در جهت استقلال و رشد و شکوفایی میهن انقلابی را بیان داشتند و در راه آن کوشیدند. مواضع ما در قبال آنچه که در بهار ۱۳۵۹ تحت عنوان «انقلاب فرهنگی» روی داد و تعطیل درازمدت دانشگاهها و مدارس عالی کشور را در پی داشت، در اعلامیه‌های کمیته مرکزی حزب توده ایران و مقالات «نامه مردم» و اعلامیه‌های سازمان ما بارها به صراحت بیان شده است. آنچه ما با آن موافق بوده و نیستیم، نه انقلاب فرهنگی، بلکه آن اقدامات نسنجیده و بی‌رویه‌ای بود که تحت نام «انقلاب فرهنگی» به وقوع پیوست و پیامد ناگوار آن تعطیل درازمدت دانشگاهها و مدارس عالی کشور بود.

بقیه در صفحه ۴

عصر جمعه ۱۵ خرداد ۱۳۶۰ در شبکه اول

بحث آزاد تلویزیون

با شرکت حزب توده ایران بخش می‌شود

در قسمت سوم بحث «ایدئولوژی عقیدتی» که در باره «تضاد» است، رفیق احسان طبری، عضو هیئت سیاسی و دبیر کمیته مرکزی حزب توده ایران شرکت دارد.

سایر شرکت کنندگان در این بحث، عبارتند از: آقای مصباح (از حوزه علمیه قم)، آقای سروش (منفرد) و آقای سرخ‌نگهدار (از سازمان فدائیان خلق ایران «اکثریت»). ما همه علاقمندان را به شنیدن این بحث دعوت می‌کنیم.

از برنامه حزب توده ایران برای تثبیت، تحکیم و گسترش هم‌جانبه انقلاب ضد امپریالیستی و مردمی ایران:

تجارت خارجی

تجربه جهانی و در تائید آن تجربه ۶۰ ساله اخیر میهن ما بقیه در صفحه ۴

توسط رزمندگان انقلاب:

ضد حمله تجاوزگران صدامی در مرزهای ایران در هم شکسته شد

گروهی و افرادی دشمن منهدم شد و تعدادی از افسراد دشمن کشته و زخمی شدند. بر اساس این گزارش، در منطقه اهواز، با آتش رزمندگان نیروی صدام به آتش کشیده و نابود شد. نیروهای خودی در منطقه دزفول

مشترک ارتش جمهوری اسلامی ایران، در عملیات نیروهای مدافع انقلاب علیه دشمن در جبهه‌های آبادان - دارخوین و خونین شهر، یک نفر، پنج انبار مهمات، یک سنگر دیده‌بانی، یک ساختمان محل تجمع نفرات، یک سنگر تیربار، پنج خودرو و چندین سنگر

جبهه‌های غرب و جنوب کشور همچنان شاهد دلوریهای رزمندگان جمهوری اسلامی ایران است. در دو روز گذشته رزمندگان انقلاب موفق شدند، بخش دیگری از مواضع دشمن متجاوز را در این جبهه‌ها منهدم کنند. به موجب اطلاعاتی ۵۲۰ ستاد

با اجرای آتش به مواضع دشمن، یک خمپاره‌انداز، یک خودروی حامل مهمات، یک سنگر دیده‌بانی و یک انبار مهمات دشمن را منهدم کردند. این گزارش می‌افزاید که روز ۱۰ خرداد ۶۰ نیروهای دشمن در منطقه مرزهای اقدام به یک ضد حمله کردند که با مقاومت دلیرانه نیروهای انقلاب این ضد حمله درهم شکسته شد و مقادیر زیادی از تجهیزات دشمن توسط رزمندگان ما به غنیمت گرفته شد.

نیروهای ضد سوسیالیستی میخواهند به پایه‌های سوسیالیسم در لهستان ضربه بزنند

سخنرانی خود گفت: «تزه» بهائیت بحران لهستان و ریشه‌های آن نمی‌پردازد. تدوین کنندگان این سند کوشیده‌اند تا بحران سیاسی کشور را در انگیزه‌های سیاسی جویا شوند، ولی چنین روشی با مارکسیسم - لنینیسم سازگار نیست. پدیده‌های سیاسی را باید از نظر اقتصادی توضیح داد. بنابراین، این نتیجه حاصل می‌شود که برخورد تدوین کنندگان در برابر مسائل لهستان بنیادی نیست.»

بگفته این سخنران: «تزه» در این باره سکوت می‌کنند که دلیل پیدایش عناصر ضد سوسیالیستی در لهستان و ریشه دویز یولیسم و اپورتونیسم در حزب متحد کارگری لهستان «اقتصاد خصوصی» است، که به فساد در میان طبقه کارگر، دهقانان و روشنفکران می‌انجامد. این چیزی است که ظاهر همیشه فراموش و همه گناهان بگرن دامن زنده. نخستین سخنران بحث درباره دو بخش نخست تزه‌های کمیته مرکزی حزب متحد کارگری لهستان برای کنکرة فوق‌العاده نهم، اووچاره یکی از اعضای هیئت رئیسه «گردهمایی کاتوویتسه» و دانشیار «انستیتوی علوم سیاسی سیلزی» بود. وی در بخشی از

روز دوشنبه ۱۲ خرداد ۶۰، یک گردهمایی در استان کاتو-ویتسه لهستان، با شرکت مسئولان محلی حزب متحد کارگری لهستان برگزار شد. ریاست این جلسه را هرات گابریس، عضو هیئت سیاسی کمیته مرکزی حزب بعهده داشت، که زمانی معدنچی بوده است. گردهمایی «تزه‌های کنکرة فوق‌العاده نهم» حزب ویتش‌نویس «منشور» آنرا بررسی کرد. در پایان این گردهمایی، قلمنامه‌ای بتصویب رسید. در این قلمنامه یادآوری میشود که:

«لهستان به جولانگاه نیروهای سوسیالیسم ستیز بدل شده است. این نیروها از کمک و پشتیبانی وسیع محافل امپریالیسم بین‌المللی بهره‌مند می‌گردند و قصد آنها ایراد ضربه به پایه‌های سوسیالیسم در لهستان است. آنها میکوشند تا کارزاری خصمانه را علیه اتحاد شوروی و دیگر کشورهای سوسیالیستی آغاز کنند و بدان دامن زنند.»

نخستین سخنران بحث درباره دو بخش نخست تزه‌های کمیته مرکزی حزب متحد کارگری لهستان برای کنکرة فوق‌العاده نهم، اووچاره یکی از اعضای هیئت رئیسه «گردهمایی کاتوویتسه» و دانشیار «انستیتوی علوم سیاسی سیلزی» بود. وی در بخشی از

بقیه در صفحه ۴

برای مبارزه با امپریالیسم آمریکا، دشمن اصلی مردم ایران، متحد شویم!

تازه‌های روز

بر اساس اطلاعیه روابط عمومی دادستان انقلاب اسلامی مرکز: مشاور حقوقی دفتر رئیس جمهور به اتهام ارتباط با شبکه‌های ضد انقلاب دستگیر شد

بدنبال دستگیری منوچهر مسعودی، عضو دفتر ریاست جمهوری و مشاور حقوقی این دفتر، دیروز اطلاعیه‌ای از سوی روابط عمومی دادستان انقلاب اسلامی مرکز صادر شد، که متن آن بشرح زیر است: «بدنبال کشف و پیگیری شبکه‌های متعدد ضدانقلابی، آقای منوچهر مسعودی، عضو دفتر ریاست جمهوری، در تاریخ ۱۰ خردادماه جاری، به حکم دادستان انقلاب جمهوری اسلامی مرکز، دستگیر شد. لذا جهت اطلاع امت مسلمان و انقلابی ایران برخی از اتهامات او به این شرح با اطلاع می‌رسد:

۱- ارتباط و همکاری با شبکه وسیع خروج غیرقانونی ارز و افراد ضدانقلاب به خارج از کشور و اخذ رشوه و کلاشی از خانواده‌های زندانیان ضدانقلابی و تلاش جهت آزادی آنها و تبانی و اخذ رشوه‌های کلان جهت کفالتیزه کردن مناقصه وزارتخانه‌های مختلف به نفع افراد خاص و ضدانقلابی، که در این رابطه تا کنون ۱۵ نفر، از جمله دو روحانی نما بنام سید عیسی صدر و سید مهدی فیروزآبادی دستگیر شده‌اند؛

۲- سوء استفاده از موقعیت دفتر ریاست جمهوری و اخذ رشوه بدفعات؛

۳- همکاری با عوامل خودفروخته رژیم مزدور سابق.

ضدانقلاب برای ایجاد اغتشاش قدره‌بند استخدا می‌کند

۲۹ نفر از افراد شرور، قه‌کش و قدره‌بند، که توسط ضدانقلاب برای ایجاد اغتشاش در محلات جنوبی تهران اجیر شده بودند، توسط پاسداران دستگیر شدند. به گزارش روزنامه کیهان، ۱۰۰ تن از افراد شرور روستای لهرین، از توابع اردبیل، توسط عده‌ای از ضدانقلابیون وابسته به گروه پارس (سلطنت‌طلبان) اجیر و به تهران آورده شده بودند، تا: «در محلات جنوبی تهران از جمله رباط کریم، عباسی، جعفری و نهر فیروزآباد دست به ایجاد اغتشاش و ناآرامی و آزار و اذیت مردم بخصوص زنان بزنند». (کیهان - ۱۲ خرداد ۱۳۶۰)

این افراد هنگامیکه در کنار نهر فیروزآباد «سرگرم اغتشاش و هرج و مرج» بودند، دستگیر شدند و از آنها: «بیش از ۲۵۰ عدد ساپور، قسه، پنجه بکس، چماق، باطوم گاردی، تیشه و شمشیر سامورائی بدست آمده». دستگیری این افراد فریب‌خورده، که با دریافت پول کلانی به خدمت اهداف شوم ضدانقلاب درآمده‌اند، نشان می‌دهد که ایجاد اغتشاش و آشوب و درگیری فقط بسود نیروهای اهریمنی ضد انقلاب است. اهمیت ایجاد آشوب برای ضدانقلاب تا آن حد است که با صرف مبالغ زیادی، افراد ناآگاه اجیر و از روستاها به تهران آورده می‌شوند.

افراد نظیر دستگیرشدگان که با سازماندهی توسط ضدانقلاب و با شرکت فعال ساواکیها و رنجریها به اجتماعات، کتاب فروشیها، فروشندگان جرایده، دفاتر احزاب و... جمله می‌کنند، تا با ایجاد آشوب زمینه را برای اجرای نقشه آمریکا فراهم سازند.

بعد از دزدی و قاچاق و آدمکشی:

افغانی‌های به اصطلاح مبارز گواهینامه و گذرنامه هم جعل می‌کنند

باند‌های افغانی مقیم ایران، علاوه بر آدم‌کشی و دزدی و قاچاق ارز و مواد مخدر و اسلحه، اخیراً به جعل گواهینامه رانندگی و گذرنامه نیز روی آورده‌اند و از این راه با خیال آسوده پول هنگفتی به چنگ می‌آورند.

باند‌های افغانی عکس متقاضی را روی فرم گواهینامه، که به تعداد زیادی در ایران تکثیر کرده‌اند، می‌چسباند و مشخصات او را می‌نویسند و مهر جعلی روی آن می‌زنند. بنهین سادگی، يك با اصطلاح مبارز دیگر افغانی، دارای گواهینامه میشود و می‌تواند به استخدام موسسات ایرانی درآید.

فرم گواهینامه، که به زبان پشتو است، بعنوان کارت شناسایی فلان حزب افغانی به سهولت در چاپخانه‌های داخلی قابل تکثیر است. اخبار و گزارشهای رسیده همچنین حاکیست که باند‌های افغانی با تهیه مهر تقلبی برای افرادی که میان ایران و پاکستان و اروپا در رفت‌وآمد هستند، گذرنامه جعلی هم صادر می‌کنند، از این رو گذرنامه اغلب افغانیهای مقیم ایران جعلی است.

ما برای چندمین بار در مورد فعالیت‌های مخرب این عناصر ضدانقلابی به مقامات مسئول هشدار می‌دهیم. نباید گذاشت مصالح کشور این چنین ملبه دست این مبارزان راه قاچاق و راه آمریکا قرار گیرد.

ضمناً باید حساب افغانی‌های زحمتکش را از این باندهای ضدانقلابی و قاچاقچی جدا کرد و برای حل مسئله مهاجران افغانی با دولت افغانستان وارد مذاکره شد.

ناراضی و ناراضی تراشی ...

بقیه از صفحه ۱

یا مثلاً بسبب گذاری میکند، نام امنی می‌آفریند، دزدیهای سیاسی» ترتیب میدهند، تا ناآرامی در اذهان عمومی ایجاد کند و مردم را از وضع موجود ناراضی کند.

اتخاذ تدابیر انقلابی و اجرای آنها، که نتایج مثبت انقلاب را برای توده‌های میلیونی محسوس و ملموس کند، باعث تقویت بنیه انقلاب است. ضد انقلاب در اتخاذ این تدابیر و در جریان اجرای آنها مدام کارشکنی میکند. می‌کوشد که از اتخاذ چنین تدابیری و از تحقق عملی آنها جلو گیرد. ضدانقلاب کوشا است، تا امید مردم را از نتایج انقلاب سلب کند، این امید را بدل به یاس کند، این یاس را بدل به ناراضی و بروز آن کند. مثلاً توده‌های میلیونی دهقانان زحمتکش امیدوار بوده‌اند و از انقلاب پیروزمند توقع داشته‌اند که آنها را از ستم «ارباب» (فئودال، بزرگ مالک و خان) برهانند. ضدانقلاب، در مقابل هم پهنکام تدوین قانون اصلاحات ارضی به کارشکنی وسیع پرداخت، و هم پس از تصویب این قانون، در مرحله اجرای آن به مقیاس وسیع کارشکنی کرد، تا آنجا که توقف اجرای بند «ج» و «د» اصلاحات ارضی را تحصیل کرد، تا امید دهقانان زحمتکش به یاس و سپس به ناراضی بدل شود. مثالهای پر شمار دیگری، هم در زمینه ایجاد زمینه‌های مصنوعی ناراضی و هم در زمینه کارشکنی‌های ضدانقلابی، برای ایجاد و دامن زدن به ناراضی میتوان برشمرد.

ضدانقلاب متشکل در جو ناراضی میتواند «سربازگیری» کند و میکند. در مقابل، وظیفه نیروهای راستین انقلابی و بویژه اتخاذ تدابیر انقلابی و قدرت اجرای آنها را دارد، معلوم است: کوشش بی‌وقفه و قاطع در راه برطرف ساختن دشواریهایی که از رژیم طاغوتی بارش مانده و پیشرفت در جهت اجرای تدابیری که نتایج را برای توده‌های میلیونی زحمتکش محسوس و ملموس کند. اجرای این وظیفه، طیف وسیعی از اقدامات سیاسی - اقتصادی - اجتماعی را دربر می‌گیرد، که همه نیروهای راستین انقلابی، بدانها، بدرجات مختلف واقفند و در راه اجرای آنها به نسبت‌های مختلف کوشا. در اینجا قابل تذکر فقط اینست که، در این راه باید بساطت بیشتر اشکال تراشی‌ها و کارشکنی‌های ضدانقلاب را خنثی کرد و با قاطعیت بیشتر در راه ارائه ثمرات انقلاب، حتی‌اندک، ولی روزمره و قابل لمس برای توده‌های میلیونی زحمتکش، کوشید.

ولی گفتنی، نکته دیگری نیز هست که از طرف نیروهای راستین انقلابی و بویژه حاکمیت انقلابی باید مورد توجه جدی قرار گیرد، و نکته اینست: پرهیز مجذانه از ناراضی تراشی.

این ناراضی تراشی، که باید بگوئیم از سوی برخی از نیروهای راستین انقلابی و جناحی از حاکمیت انقلابی انجام میگیرد، ابداع‌غرضانه نیست، صادقانه نیز هست، منتها ناشی از تنگ‌نظری، قشریگری، انحصارطلبی و خودمحوربینی است؛ در عرصه «جزئیات» انجام میگیرد، ولی وقتی ناراضی‌های ناسازی از

تصمیم و گفتار و نوشتار، حتی عمل حزب توده ایران را نیز، که در دفاع اینارگرا نه از انقلاب و جمهوری اسلامی ایران بیکباره انجام داده و میدهد (و از آن هم اطلاع دارند)، نادیده می‌گیرند. مرغ آنها يك با دارد، که حزب «تاکتیک» بکار میبرد، «تضاد بنیادی» با انقلاب و جمهوری اسلامی ایران دارد، در پی «انتقام فرست» است، تا ضربه مهلك خود را وارد کند! اینان تنها به این اتهامات و افتراات اکتفا نکرده‌اند. دفاتر حزب ما را در اکثر شهرهای کشور مورد یورش قرار داده‌اند، کتابفروشیهای ما را سوزانده‌اند، رفتاری ما را مضر و مجروح ساخته‌اند، به زندانی کردن برخی رفتاری ما اقدام کرده‌اند و حتی در برخی موارد بیشتر، و همه اینها بدون کمترین دلیل و برخلاف قانون. البته این دشمن تراشی، حزب توده ایران را از خط دفاع سرسختانه از انقلاب و جمهوری اسلامی ایران نتوانسته است خارج کند و در آینده هم نتوانست، زیرا این خط ما اصولی و ناشی از تحلیل علمی انقلاب ایران و اوضاع کشور است.

ولی آیا یک چنین دشمن تراشی نسبت به دیگر افراد، گروهها و سازمانهایی که خواستار دفاع از انقلاب و جمهوری اسلامی ایرانند، ولی جوانند و احساس آنها بر قدرت تحلیل علمی آنها میچربد، کم‌تره‌ترند و بفرنجی اوضاع کشور را نمیتوانند درک کنند، همین قدر بی‌نتیجه و بی‌ثمر خواهد بود؟! آیا دوستان جوان اشتباهکار را دائماً دشمن خواندن و با آنها دشمنی ورزیدن، راندن آنها به سنگ دشمن نیست؟ این دشمن تراشان «صادق»، که اسیر تنگ نظریهای خویشند، حتی توصیه‌های مکرر امام خمینی را هم در مورد لزوم پذیرش هر گروه و سازمانی در صف انقلاب، که هواداری خود را از انقلاب و جمهوری اسلامی ایران اعلام کند و علیه آن توطئه نکند و تدارک مقابله مسلحانه ننماید، انکار نمی‌شوند.

خلاصه کنیم: ضد انقلاب در کار ناراضی تراشی است، هم از طریق کارشکنی در اتخاذ اجرای تدابیر انقلابی و ممانعت از اتخاذ آنها و هم از طریق سوءاستفاده از ناراضی‌هایی که برخی نیروهای صادق به انقلاب، ولی تنگ‌نظر و خودمحوربین، در اقسام مختلف بطرق مختلف فراهم میکنند. وظیفه نیروهای راستین انقلابی و بویژه حاکمیت انقلابی از یکسو پیشبرد انقلاب بنحوی است که نتایج آن ولو اندک ولی روزمره برای توده‌های میلیونی مردم محسوس و ملموس باشد، و از سوی دیگر پرهیز از هرگونه عملی، که بی‌جهت قشری از مردم را ناراضی کند.

نیروهای ...

بقیه از صفحه ۱

سخنران ادامه داد: «با توضیحاتی که در «ترها» آمده است، میتوان انتظار داشت که رویزبونیسم و اپورتونیسم فرصت توسعه را بیابد و روزی بخشی از «آگاهی» مردم را تشکیل دهد. باید با کمال صراحت گفت که روندی ضدانقلابی در کشور جریان دارد و باید با روش‌های شایسته به مقابله با آن برخاست. حزب باید، در مبارزه با ضدانقلاب، از همه شیوه‌های ممکن بهره‌جوید. ریشه‌های بحران کشور را باید نه تنها در سالهای ۷۰، بلکه همچنین در دوران ده ماهه اخیر - که از اوت سال ۱۹۸۰ آغاز شد جستجو کرد. لطماتی که در این دوران هشت ماهه به حزب وارد آمده است، بیشتر از سالهای ۷۰ بوده و به پیدایش خطری عاجل برای نظام سوسیالیستی لهستان انجامیده است. رویدادهای ده ماهه اخیر حزب را بکلی غافلگیر کرده است. اما در حالیکه در آن هنگام حزب متحد بود، اینک در آن تفرقه پدید آمده است. کمونیست‌ها از استراتژی و طرحی برای رویارویی با بحران بی‌بهره‌اند».

سخنران «گردهمایی کاتویش» افزود:

«حزب، به از نظر سیاسی و نه از نظر اخلاقی، حق آنرا ندارد که در «ترها» نقش حزب را به خدمتگزاری به طبقه کارگر محدود کند. حزب مارکسیستی-لنینیستی وظیفه دارد که وجدان طبقه کارگر را تکان بدهد و آنرا راهبر باشد. اینست نقش پیشاهنگ حزب در قبال طبقه کارگر. و گرته ایدئولوژی بورژوازی در میان توده زحمتکش رخنه خواهد کرد. اینست واقعیت امر روزی ما- چیزی که سند نامبرده آنرا باز نمی‌تواند. اگر سیاست کادری خود را بر پایه «ترها» بنا نهم، حزب بکلی نقش رهبری خود را از دست خواهد داد. علت اصلی بحران اینست که «اقتصاد خصوصی» که آگاهی زحمتکش را به فساد می‌کشاند، امکان آنرا یافت که آزادانه در کشور عمل کند و بدون هیچگونه مانعی در برابر خود، توسعه یابد. بدین ترتیب، باید به روش‌های تکاملی سوسیالیستی روی آورد روش‌هایی که عمومیت خود را ثابت کرده‌اند و نه آنکه در پی ساختن «سوسیالیسم لهستانی و بی‌همتا» باشیم».

در پایان «گردهمایی کاتویش» قلمنامه‌ای درباره ارگانهای رهبری دولت به تصویب رسید. در این قلمنامه، از جمله، گفته می‌شود:

«ارگانهای رهبری دولت تاکنون گام قاطع و پیگیری علیه دشمنان سوسیالیسم برداشته‌اند، تأییدین- ترتیب حزب به بسج نیروهای مارکسیستی - لنینیستی اقدام کند. این غفلت و تدابیر ناسازی است که به تشنج دامن می‌زند و ضربه اساسی را متوجه حزب می‌سازد».

برقرار باد اتحاد همه نیروهای ضد امپریالیستی و دمکراتیک ایران در جبهه متحد خلق!

یا مثلاً مسئله بازگشائی دانشگاه‌ها را در نظر بگیریم. که ضمن پاکسازی عناصر ساواکی و ضدانقلابی، عناصری نیز که ضدانقلابی نیستند و حتی انقلابی صدیق و فعال نیز هستند، پاکسازی شده‌اند، فقط بدلیل اینکه مذهبی نبوده‌اند، و یا حتی مذهبی بوده‌اند، ولی نه آنچنانکه پاکسازان خواسته‌اند. اینگونه پاکسازی، پیداست که نه بسود انقلاب است و نه بسود جلب تأیید مردم، ولی باعث ناراضی و اعتراض است.

یا مثلاً پرسشنامه‌هایی را در نظر بگیرید، که چیزی نیست جز «تفتیش عقاید»، که در قانون اساسی صراحتاً ممنوع اعلام شده است. این پرسشنامه‌ها شهر و دهان را، بر مبنای «عقیده» آنها، به شهروندان کامل و ناقص، قابل اعتماد و غیر-قابل اعتماد، تقسیم میکند. يك چنین تبعیضی، که قانوناً نیز ممنوع است، نمیتواند باعث ناراضی نشود. مثالهای پر شمار دیگری از این «جزئیات» میتوان برشمرد که اثر مجموعه آنها در ایجاد ناراضی «جزئی» نیست. این واقعیت را باید دید که ضدانقلاب و نیز لیبرالها از این «جزئیات» برای دامن زدن به ناراضی‌ها، برای ایجاد جو ناراضی، حداکثر سوء استفاده را میکنند. آری، ناراضی تراشی «صادقانه»، کمک ناخواسته مستقیمی است به ضدانقلاب ناراضی ساز.

برخی‌ها باین ناراضی تراشی «صادقانه» نیز اکتفا نمیکنند، دشمن تراشی میکنند. ما خود در معرض این دشمن تراشی قرار داشته و داریم. اینان نه فقط رای و

کمک مالی به حزب توده ایران، یک وظیفه انقلابی است!

ابراهیم آق‌قلا ۵۰۰ ریال
م. شیخی (همراه با یک نامه برای درج در روزنامه) ۱۰۰۰ ریال
مادر رفیق شهید ابراهیم مفتاح ۱۰۰۰۰ ریال
سارا و سحر ۱۰۰۰۰ ریال
خسرو یک دستگاه ماشین تایپ ۸۰۰۰۰ ریال
م. ن از تهران ۱۰۰۰۰ ریال
فریدون ب از رشت ۵۰۰۰ ریال
ر. ز آزادمنش ۵۰۰۰ ریال
ژاله «دریم» ۱۰۰۰ ریال
پروین «مادر» ۱۰۰۰ ریال

دوست ناشناسی که احساسات خود را در مورد سرمایه‌داران برای «نامه مردم» نوشته است ۳۰۰ ریال
دانش آموزان داراز کوچصفهان توسط پست ۲۰۰ ریال
سازمان حزب آق‌قلا ۱۰۰۰۰ ریال

جلادان شاه - آمریکای ۱ هزار نفر

راسلاخی کردند...

به مناسبت هجدهمین قیام تاریخی سالگرد ۱۵ خرداد - قسمت دوم



هفته خونین خرداد ماه

دولت مصلحت طلبان در خرداد ماه ۱۳۴۲ که با سرکوب مردم و سرکوبی بی رحمانه در خرداد ماه ۱۳۴۲...

بار دیگر در میهن ما شعله های خشم و کینه طغیان می کند... بار دیگر مردم ایران...

دولت مصلحت طلبان در خرداد ماه ۱۳۴۲ که با سرکوب مردم و سرکوبی بی رحمانه در خرداد ماه ۱۳۴۲...

امام خمینی در سال ۴۳ گفتند: «امروز تمام گرفتاری ما از آمریکاست، تمام گرفتاری ما از اسرائیل است، اسرائیل هم از آمریکا است».

حزب توده ایران درباره حوادث ۱۵ خرداد اعلام کرد: «بار دیگر در میهن ما شعله های خشم و کینه علیه سلطنت ضدملی و استبدادی محمدرضا شاه زبانه کشیده».

به امام خمینی اجازه داد که رهسپار قم شوند. امام خمینی که خیلی خوب با توطئه ها و دسائیس این رژیم آشنا بودند به عزم تشدید مبارزه و بسیج مردم از تهران راهی قم شدند.

اعلامیه آیت اله خمینی که از مراجع بزرگ تقلید شیعیان است در مخالفت با لایحه مصونیت و حمایت مستشاران آمریکایی که اخیراً از تصویب مجلس گذشت اعلامیه ای منتشر کرده است که ما اکنون اهم مطالب آنرا نقل می کنیم.

مردم، اول تیرماه ۱۳۴۲

تاکت ها برای متفرق ساختن مردم به آنها حمله کردند و تا ساعت ها کشتار مردم ادامه داشت. توده های خلق، در حالی که زیر زنجیر تاکت ها می شدند، فریاد می زدند: «مرگ بر شاه! - یا مرگ یا خمینی!»

کشتار جمعی اولین اقدام شاه برای مقابله با این جنبش فراینده، بازداشت امام خمینی بود. علت روشن بود. رژیم می دید که امام خمینی بی پروا دستگاه جبار او و اربابان آمریکایی آنرا مورد حمله قرار داده است.

هدف «انقلاب سفید» حفظ رژیم دست نشانده استعمار و ادامه سیاست داخلی و خارجی ضد ملی است

حزب توده ایران با دریافت اولین اخبار مربوط به قتل عام مردم باخاسته در روز ۱۵ خرداد، در اولین شماره «مردم»، ارگان مرکزی خود، بعد از این واقعه، که روز اول تیر ۱۳۴۲ منتشر شد (روزنامه مردم در آن هنگام هر دو هفته یکبار محفانه منتشر می شد) ضمن ستایش قیام تاریخی ۱۵ خرداد برهبری امام خمینی، آن را عمیقاً ستودنی و ترقی خواهانه ارزیابی کرد و تبلیغات رژیم شاه را، مبنی بر اینکه این تظاهرات را مالکین به راه انداخته اند، «سیدیا» محکوم ساخت.

کشتار جمعی

بدنبال نطق پرشور امام خمینی در مدرسه فیضیه قم، مأموران امنیتی شاه ساعت ۵ صبح روز ۱۵ خرداد به منزل امام خمینی یورش بردند و ایشان را بازداشت کردند. آنها امام خمینی را مستقیماً از قم به تهران آوردند و در زندان قصر بازداشت کردند.

هدف «انقلاب سفید» حفظ رژیم دست نشانده استعمار و ادامه سیاست داخلی و خارجی ضد ملی است

مقاله رفیق احسان طبری مندرج در دنیا، سال سوم، شماره دوم، تابستان ۱۳۶۱ - تحت عنوان «تثبیت ارتجاعی یا تحول انقلابی»

مخالفت مردم مگر مردها آزادند که زن ها میخوانند آزاد باشند مگر آزاد زن و آزاد مرد در لفظ درست می شود؟ تمام گرفتاری ما از آمریکاست رژیم شاه پس از سرکوب قهر آمیز تظاهرات مردم در ماه های خرداد و تیر ۱۳۴۲، با خیال راحت اقدام به رسمیت بخشیدن حضور مستشاران نظامی آمریکا در ایران کرد.

بسیج انقلابی زحمتکشان شهر و روستا برای مبارزه علیه امپریالیسم

و پیروزی نهائی انقلاب، ضرورت درنگ ناپذیر انقلاب ایران است

با اجرای برنامه های انقلابی میتوان از کودتای خزنداد آمریکا جلوگیری بعمل آورد

یکی از اهداف دشمنان انقلاب ایران بنا بر بوی کشاندن صنایع کشور است.

همانطور که می دانیم، ساختن برخی از قطعات یدکی در شرایط فعلی در داخل کشور غیر ممکن است. در گذشته معمولا وسایل یدکی برای چهار سال خریداری می شد و بیشتر آنها از کشورهای آمریکا، انگلستان و فرانسه تهیه می شد. اکنون پس از گذشت بیش از دو سال از انقلاب، موجودی بسیاری از وسایل یدکی با در نظر گرفتن تحریم اقتصادی رو به اتمام است و باید در این مورد چاره ای اندیشید.

متاسفانه مسئولان فعلی وزارت نفت تاکنون قادر نبودند در رفع نیازهای این وزارتخانه و کارکنان آن گام بردارند و نیز نتوانسته اند این نیروی عظیم در دریک صف واحد به حرکت درآوردند، بلکه اغلب با تنگ نظری در ناراضی ترشی و از بین بردن حقوق افراد گام نهاده اند.

برای مثال: پس از شروع جنگ، که منجر به از کار افتادن پالایشگاه آبادان شد، مسئولان با کارکنانی که سالها عمر خود را در راه خدمت به کشور در شرایط طاقت فرسای جنوب گذرانده بودند، با روحیه انقلابی برخورد نکردند و حتی برای آنها ناراحتی و گرفتاری هم فراهم کردند.

اکنون بعثت عدم مدیریت صحیح همچنان عده ای از عناصر وابسته به رژیم سابق بر سر قدرت هستند.

آنها نه تنها قدمی در راه سازندگی کشور بر نمی دارند، بلکه هر لحظه خوابهای طلایی گذشته را می بینند.

از مسئولان امر می خواهیم برای جلوگیری از این پدیده های منفی به پیشنهادهای زیرین توجه کنند.

۱- دولت باید با قاطعیت، حفظ کارخانه ها را از مسئولان بخواهد و هر نوع قصور از این امر را بی گیری کند و کسانی را که در انجام مسئولیتها کوتاهی می کنند، به مجازات برساند.

۲- دولت باید در اسرع وقت کلیه وزارتخانه ها را موظف کند که به هر طریق قطعات یدکی حساس را تهیه کنند و در صورت لزوم آن قطعات از کشورهای دوست تهیه شوند.

۳- دولت باید حقوق شوراهای کارگری و کارمندی را محترم شمارد و با تشویق، آنها را در امر قبول مسئولیتها و همکاری با مدیران یاری کند.

۴- دولت باید با طرح قوانینی، از لوث شدن مسئولیتها جلوگیری کند و حقوق رئیس و مأمور را برای پیشبرد کارها به رسمیت بشناسد.

۵- دولت از حالت بی تفاوتی در امور رفاهی کارکنان خارج شود و خود را مسئول تامین آینده مطمئن برای کارکنان بداند، و بسا ایجاد شرایط بهداشتی، فرهنگ، مسکن آنها را به آینده امیدوار سازد.

آن، ارتجاع منطقه و نقشه برداری های آن، ماجرا آفرینی و غائله پردازی سازشکاران و فریب خوردگان و کج اندیشان، پیرایه تنگ نظری ها و خودمداری ها را از خویش برانیم و نیروی متحد کارگران و دهقانان و دیگر زحمتکشان شهر و روستا را قوت بخشیم، آنگاه نه تجاوز نظامی، نه سازماندهی ضد انقلاب و نه خرابکاری های متحدین آن، هیچ یک کمترین خللی در کار خلاق مردم انقلابی ایران برای ساختن فردای مستقل و آزاد و آباد میهن خویش ایجاد نخواهد کرد.

دشمنان انقلاب تارومار خواهند شد و انقلاب مطمئن و خروشان به پیش خواهد رفت، اگر نیروی متحد زحمتکشان تقویت، تسلیح و تجهیز شود و با بسیج میلیونی در برابر دشمن اصلی خویش- امپریالیسم آمریکا- قرار گیرد. انقلاب شکست ناپذیر خواهد شد، اگر حقوق طبیعی زحمتکشان، حق کار و زندگی شرافتمندانه و حق برخورداری از مواهب اجتماعی برای توده های میلیونی تپه- دستان و کوخ نشینان فراهم شود. انقلاب می تواند و باید از این طریق توان گیرد، این ضرورت درنگ ناپذیر و حکم محتوم تاریخ است.

تأمین شود، هم انقلاب توان می گیرد و قوام می یابد، هم از این رهگذر ضد-انقلاب و غارتگران خلع سلاح می شوند. اگر کارگران ایران در سازمان ها و انجمن-های صنفی-سیاسی خویش مجتمع و متشکل شوند و انقلاب این راه را در فرخنده را برای آنان بهارمغان آورد و گسترش دهد، آنگاه سازندگی و چاره-جویی جای رکود و درمساندگی را بر خواهد کرد.

اگر بدشمنان انقلاب مردم، که همچنان اهرم های مهمی از قدرت اقتصادی را در اختیار دارند، از طریق خلع ید از بزرگان مالکان و کلان سرمایه-داران یورش بریم، اگر با اجرای قوانین مترقی، از جمله ملی کردن بازرگانی خارجی، موتور غارتگری سرمایه داری طفیلی را از کار بیاندازیم، اگر قوانین بازمانده از دوران نکتت بار طاغوت را بکنی ملغی کنیم و در برابر شالوده های نظام مردمی نوین رادر ضوابط محکم، صریح و جامع قانونی، استوار بی ریزی کنیم، آنگاه هیچ دست ناکاری در تحریک و تشنج کاری نخواهد بود.

اگر در برابر صفت متحد امپریالیسم، بسرکردگی آمریکا، و ضد انقلاب پیروان

این ستیز میان انقلاب و ضد انقلاب، مردم و نامردمان، در یک کلام، مرگ و زندگی، ادامه خواهد یافت. زحمتکشان که این انقلاب را به ثمر رسانند، برای حفظ دستاوردهای انقلاب خویش از دستبرد دشمنان راه دشواری را طی کردند و آینه دشمنان را در در دامه این مبارزه دوران ساز می-بینند. توده های مردم در این میدان پیروزند، زیرا بهر از پیروزی، که اتحاد و همبستگی است، دست می یابند.

اگر این همبستگی و همیابی حفظ شود و گسترش یابد، هیچ نیروی ریاکاری مقاومت نخواهد بود، زیرا دشمن ما را ضعیف و زبون می خواهد و در جدایی صفهاست که قوت می گیرد. اگر در مقابل دسایس ضد انقلاب نیروی یکپارچه مردم انقلابی را قرار دهیم، همه بمبها و توطئه ها و قتلها و جنایات آشکارا بی قدرت می شوند. اگر در برابر کمبودها و تنگناها به بازوان پرتوان و امیدوار زحمتکشان تکیه کنیم، مخترکان و گران-فروشان و غارتگران را برای همیشه از خانه رانده ایم. اگر حق کار و زندگی انسانی و شرافتمندانه، که انقلاب میسر و مزده-رسان آن بود، برای میلیون ها کشاورز و کارگر و دیگر زحمتکشان شهر و روستا

در سالی که گذشت، انقلاب ایران از گرداب توطئه های بسیاری گذشت و از گورهای آزمون های دشوار سرفراز برآمد. امپریالیسم، بسرکردگی آمریکا، همچنان به توطئه جینی مشغول بود. از تجاوز آشکار نظامی (طیس)، تا کودتای ناکام نوزه و سرانجام جنگ تحمیلی آمریکا فرموده صدام، برده هایی از این رویارویی در برابر چشم جهانیان بالا رفت. گذشته از آن، امپریالیسم به کمک ضد انقلاب گوش بفرمان خود، بی وقفه کوشید تا با دامن زدن به اختلافات، حادثه سازی و بهانه تراشی، همه جا بذر تفرقه، تشنج، نفاق و درگیری بیفشاند و طوفان جنگ داخلی را درو کند.

وقتی دشمنان انقلاب سازشکاران دست در دست عناصر و جریان های چپ نمای آمریکایی، این چنین بر پیکر پهلوئی انقلاب هجوم می آورند، انقلاب تا آخرین نفس به دفاع از خویش برمی-خیزد. این ماجرائی است که در این دو سال بر میهن ما رفته است. نیروی حیات-بخش انقلاب زحمتکشان، کوخ نشینان تا امروز چه بسیار حمله ها را که ناکام گذاشته و چه بسا توطئه ها که در نطفه خفه کرده است.

بی شک در این سال و سال های آتی

پیشبرد آهنگ تولید در گرو توجه به نظرات زحمتکشان واحدهاست

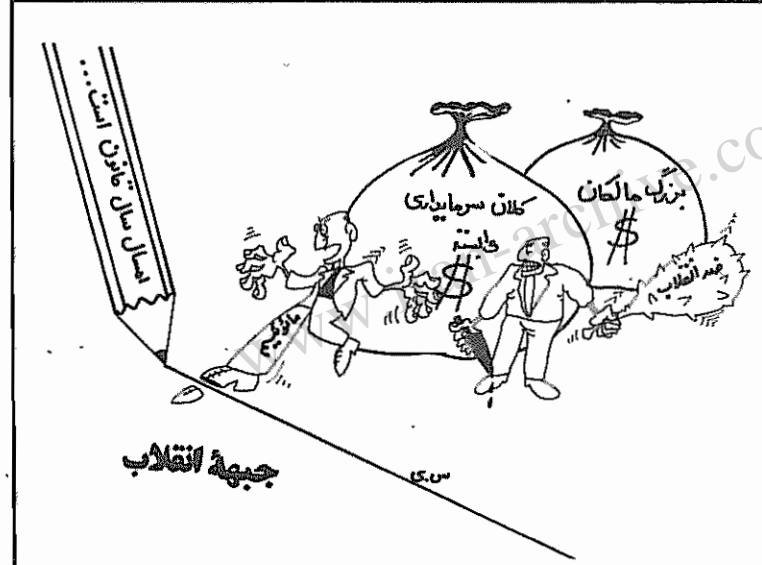
در تاریخ ۶۰/۱/۱۱ مدیریت شرکت کشت و صنعت کارون با صدور اطلاعیه ای جریان عادی تغییر نوبت-کاری کارکنان را در قسمت برداشت، متوقف کرد. مطابق این اطلاعیه، تا پایان برداشت، هرگونه تعطیلی لغو شد. قبلا کارکنان پس از دو هفته کار متوالی یک روز استراحت داشتند و پس از آن تغییر نوبت کاری می دادند. متن اطلاعیه مدیریت چنین است: "با توجه به وضع نامساعد جوی که باعث تاخیر در انجام کار برداشت گردید و موقعیت خطیر شرکت از نظر میزان نی باقی مانده جهت برداشت، تعویض شیفت در این هفته انجام نگردیده و گروهها کماکان بدون تعطیل بکار خود ادامه داده و غیبت هیچ یک از افراد به هیچ دلیلی قابل قبول نبود. در صورت عدم همکاری با مرتکبین طبق مقررات زمان جنگ رفتار خواهد شد."

صدور این اطلاعیه با اعتراض کارکنان روبرو شد. از نظر کارکنان بر-خورد مدیریت نسبت به کمبود محصول و عقب افتادن برداشت و شیوه پیسنهادی برای جبران آن قابل قبول نبود. چرا همین دلیل دستور مدیریت نبود. بنا به نشد و نظر مدیریت تأمین نشد. بنا به گفته کارکنان، باین بودن مقدار شکر

تولید شده، بعثت نقض برنامه ریزی در سطح شرکت و بویژه کشاورزی و تولید شکر است و به برنامه گردش نوبت کاری کارکنان مربوط نمی شود. مساله این است که کوشش مدام و احساس مسئولیت کامل در جهت بالا بردن تولید نه تنها درست، بلکه وظیفه انقلابی زحمتکشان میهن ما بویژه در شرایط کنونی است. اهمیت این اصل لازم الاجرا قبل از همه به وسیله خود زحمتکشان احساس شده و عموما رعایت می شود.

برخورد اصولی مدیریت واحدها به تأمین این نیاز در اساس خود بجا و قابل تأیید و بسیار مختتم است. اما این برخورد، که نیت حفظ نظم تولیدی و شتاب دادن به آهنگ تولید را دارد، باید اصولی باشد، به این معنی که به شیوه ای مقبول بعمل آید، شرایط واقعی کار در نظر گرفته شود، نیازهای زحمتکشان بحساب آید، علل و انگیزه دشواری ها به دقت دنبال شود و با استفاده از نظرات توأم با احساس مسئولیت خود زحمتکشان، از بروز عوارض نامطلوب ناشی از تصمیم گیری های شتاب زده جلوگیری بعمل آید.

در غیر این صورت، عملا "دیده شده که اقدامات عجولانه و به ویژه



استفاده از شیوه تهدید و ارعاب و بی توجهی به نظرات کارکنان، نه تنها کمکی به بالا بردن سطح تولید نمی-کند، بلکه شیوازه امور را از هم می گسلد، کار را مختل می کند، نا-رضایتی را دامن می زند و به تشنج در محیط کار دامن می زند، و در نهایت زمینه تخریب و ماجرا آفرینی ضد-انقلاب، و بویژه گروهک های مائوئیستی-آمریکایی و جریان ها و عناصر گمراه و ناآگاه، قرار می گیرد.

کارکنان زحمتکش کشت و صنعت کارون، که با تمام توان خود، در شرایط سخت منطقه، جهت بالا بردن تولید از هیچ تلاشی فروگذار نیستند، انتظار دارند که چنین فشارهایی بر آنان وارد نشود و مدیریت حقوق حقه کارکنان را بیشتر در نظر گیرد و موافقت آنان را نادیده نگیرد.

البته از کارکنان این واحد نیز انتظار بیشتری می رود که کار اساسی و انقلابی خود را با عکس العمل پاره ای از مسئولین از دست نگذارند و با شکیمائی و استواری راه خود را در حفظ آرامش و بالا بردن تولید بسود انقلاب خود ادامه دهند.

دستاوردهای انقلاب به جبهه های جنگ رفته اند و پس از گذراندن مأموریت شش ماهه خود دوباره سرکار خود باز-گشته اند.

طرح دو هزار تنی در ارتباط با مشکلاتی که در این کارخانه وجود دارد، مسئله طرح توسعه دو هزار تنی کارخانه نیز، که به طور عجیبی با رکود مواجه شده، بسیار سؤال برانگیز است. در سال ۱۹۷۵ قرارداد توسعه این کارخانه بین سازمان گسترش و نو-سازی صنایع ایران و شرکتهای پراگو

هم سندیکا برای دفاع از حقوق صنفی کارگران لازم است، هم شورا برای هماهنگ ساختن امور در واحدها!

دستمزدها را از میان ببرد و اجرای تشویق مادی و معنوی در مورد کارگران فعال را به مرحله اجرا در آورد و نیز پشتیبانی از شورا برای نظارت و کمک به اداره کارخانه می تواند موجب بهبود وضع کارخانه شود. نظر به اهمیت راه اندازی کامل این کارخانه در امر کمک به اقتصاد کشور، لازم است طرح مزبور مسود-رسیدگی کامل قرار گیرد و مشکلات کاستی ها و علل تاخیر آن هر چه سریعتر کشف و رفع شود.

راه اندازی کامل سیمان ری به سود اقتصاد کشور است!

اینوست چکسلواکی و هیئتمن آلمان فدرال منعقد شد. طبق این قرارداد می بایست این کارخانه ظرف دو سال تکمیل و براه انداخته می شد. متاسفانه پس از گذشت شش سال و صرف مخارج هنگفت هنوز نمی توان امید راه اندازی قسمت های جدید آن را داشت. این کارخانه نیازمند یک مدیریت صحیح و انقلابی است، تا بتواند لوازم یدکی و سایر احتیاجات کارخانه را از قبل پیش بینی و نسبت به تهیه آنها اقدام کند. این مسئله نسیطر به فرسودگی دستگاه های کارخانه حائز اهمیت بسیار است. مشکل کارگران در سازمان صنفی خود - سندیکا - می تواند تبعیض در

رسیدگی به وضع رفاهی کارگران را بر عهده گیرد و هم بر اداره کارخانه نظارت داشته باشد. متاسفانه کارگران هنوز به لزوم تشکیل سندیکا بعنوان سازمان صنفی طبقه کارگر، که در عین حال سلاحی است علیه امپریالیسم و دشمنان داخلی آن چنانکه لازم است بی برد دارند و وظایف شورا و سندیکارا مخلوط می کنند. کارگران کارخانه سیمان ری دارای شرکت تعاونی مسکن هستند، که تاکنون حدود سی قطعه از زمین های کارخانه را میان کارگران تقسیم کرده است. تاکنون گروهی از کارگران کار-خانه برای دفاع از میهن و حفظ

کارخانه سیمان ری پس از باز-نشسته کردن کارگران مجرب قدیمی و استخدام کارگران جوان دچار مشکلات عدیده ای شده است. با اینکه کارگران و کارمندان کارخانه برای سرپا نگهداشتن کارخانه تلاش بسیاری می کنند، ولی کمکی و بیوسیدگی اغلب قسمتهای کارخانه از یک سو و تا کار بودن عده ای از کارگران از سوی دیگر موجب شده است، تا کارخانه مرتبا دچار حادثه شود و تولید آن نقصان یابد. در ضمن احتمال آن می رود که با ادامه این وضع تولید کارخانه متوقف شود. از نظر تشکل صنفی، کارگران فاقد سندیکا هستند. شورای کارخانه که اخیرا تشکیل شده است، با ارائه اساسنامه ای همانند اساسنامه سندیکا می کوشد، که هم وظیفه تشکل کارگران و

از اقدامات ضد انقلابی بزرگ مالکان فرادبنه جلو گیری کنید و گازوئیل احتکار شده را به شورای روستا تحویل دهید!

زمینداران بزرگ روستای فرادبنه از توابع شهرستان بروجن علیه شورای این روستا به بهانه های مختلف، توطئه می کنند. از جمله اینکه اخیرا به اداره کشاورزی شهرکرد مراجعه کرده اند و در حالی که خودشان محکوم اصلی سوخت هستند، شورا را متهم کرده اند که سوخت مصرفی و روغن موتور تراکتورهای ده را حیف و میل می کند. اداره کشاورزی هیئتی را جهت بررسی وضع سوخت به روستا فرستاد. شورای ده به اتفاق چند نفر از کشاورزان، بنوبه خود، توانست در عمل ثابت کند که بزرگ مالکان زمین خوار خود گازوئیل خسوار واقعی نیز هستند. شورا با حمایت دهقانان ۳ تریلر - هر کدام شامل ۱۵ بشکه ۲۲۰ لیتری گازوئیل - را که به روستا داده می شد، بازداشت کرد و از صاحبان تریلرها - که ۲ نفر از زمینداران بزرگ هستند - خواست که خود را معرفی کنند.

هیئت بررسی اداره کشاورزی ۳ نفر از اعضای شورا و ۲ نفر از هیئت واگذاری زمین را به نمایندگی از طرف کشاورزان انتخاب کرد و جهت تحقیق مسئله گازوئیل به مزارع زمینداران فرستاد. بعد از سرکشی، مجموعاً ۱۰۰ هزار لیتر گازوئیل از ۵ مزرعه کشف و صورت جلسه گردید. اما در حین برگشتن، هیئت و اهالی روستا مورد هجوم زمینداران بزرگ و ایادی آنها قرار گرفتند، که در نتیجه عده ای شیدا "زخمی شدند. جالب آن که درست در همین گیرودار، یک تریلر ۱۲ هزار لیتری دیگر برای یکی از زمینداران فوق، گازوئیل تخلیه می -

است. ضرور است. ذخایر بسیار سوخت در سراسر کشور هست که، به علت وجود زوالی عظیم بزرگ مالکی، بدست دهقانان تولید کننده نمی رسد. بزرگ مالکان محکوم سوخت کشاورزی، در این شرایط جنگی حساس، به کشور خیانت می کنند. باید با آنها جدا "مقابله کرد.

زمین خواست اصلی دهقانان تپه باش است

حسین نظمی، یکی از مالکان بزرگ روستای تپه باش، که ۳۰ کیلومتر از ماکو فاصله دارد و نامش در لیست ۱۷۱ ساواکی، منتشره در روزنامه اطلاعات، درآمد، سال ها بوده که دهقانان زحمتکش را تحت شدیدترین ستم ها قرار داده بود. از خانه این شخص، بنا به نوشته روزنامه کیهان، مورخه ۱۵ شهریور ۵۹، مقدار زیادی اسلحه و فشنگ و مهمات توسط سپاه پاسداران ضبط شده است، اما گفته می شود که خود شخص مزبور به ترکیه فرار کرده است.

در حال حاضر از این خانواده، مالکان بزرگ دیگری هستند که همچنان دسترنج دهقانان زحمتکش را غارت می کنند.

زمین های کشاورزی این روستا بسیار حاصلخیز و پر درآمد است. در این روستا حدود ۴۰ خانوار و جمعاً ۲۵۰ نفر زندگی می کنند. از این جمعیت در حدود ۲۰ خانوار دهقانان بی زمین، ۸ خانوار کم زمین و ۱۱ خانوار خرده مالکند. بی زمین ها، زمین خرده مالکان را کشت می کنند. تقسیم محصول به نسبت ۳ به ۲ است. ۳ قسمت نصیب خرده مالک می شود و ۲ قسمت هم به دهقان بی زمین می رسد.

حسین نظمی، مالک سابق روستا و خویشتنش، تا آنجا که از دستشان بر می آمد، ظلم به دهقانان کردند. وی قبلاً، از ترس اینکه مبادا دهقانان علیه او شورش کنند زمین های غصبی را از وی بگیرند، از دیگر روستاها کارگر کشاورزی می آورد. او بیشتر محصول را برای خود برمی داشت (س) و دست آخر برای دهقانان چیزی نمی ماند.

چند روز پیش از طرف جهاد سازندگی برای واگذاری زمین به این روستا آمده بودند و حتی ۲ نفر نماینده کشاورزان را انتخاب کرده بودند، اما هنوز زمین واگذار نشده است. از نظر تمامی امکانات اولیه زندگی و تامین برق و راه، جهاد سازندگی کمک بسیار به روستائیان تپه باش کرده است.

آب آشامیدنی روستا از رودخانه های تهیه می شود، که تمام فاضلاب های اطراف به آن می ریزند. اهالی معتقدند که برای تامین آب مورد نیاز، روستا احتیاج به یک سد دارد. یک چاه نیمه عمیق از طرف اداره آبیاری زده شده است که نیمه کاره مانده است.

اهالی روستا از دولت انقلاب تقاضا دارند که هر چه زودتر بند "ج" قانون اصلاحات ارضی را به اجرا بگذارد، تا دیگر مالکانی مانند حسین نظمی ساواکی نتوانند سال ها بر دهقانان زحمتکش ستم رانند.

گزارش کار هیئت هفت نفری واگذاری زمین در کهگیلویه و بویر احمد

هیئت هفت نفری واگذاری زمین در کهگیلویه و بویر احمد در اطلاعیه ای گزارش فعالیت های خود را منتشر کرده است. در این اطلاعیه، ضمن اشاره به چگونگی تحقق انقلاب و نیز ضرورت انجام "انقلابی بزرگتر از انقلاب اول" آمده است:

"سال ها بود که کشاورزان شریف ما زحمت می کشیدند، چنان می کردند و محصول تولید می نمودند و آخر سر هم ارباب و فئودال نتیجه دسترنج او را چون آب گوارایی بلای می کشید و حاصل کار کشاورز محروم روستایی برای خود خانه های آنچنانی می ساختند و به عیش و نوش مشغول بودند. خلاصه کشاورز، یعنی کسی که باید کار کند، رنج بکشد و آخر سر هم محروم و فقیر نشین گردد. و ارباب، یعنی کسی که کار نمی - کند، رنج نمی کشد، ولی چون زالویی خون آشام شیره جان کشاورزان مظلوم را میگذرد، تا چند صباحی دیگر به حیات انگلی و تنگنویس خویش ادامه دهد.

بعد از پیروزی انقلاب اسلامی کشاورزان محروم ما چشم انتظار بودند که کسی به فریاد آنها برسد و دست ارباب ها را از سر آنها کوتاه کند، که امام امت پیام می دهد:

"به کشاورزان بگوئید که ما نه طرفدار فئودال هستیم و نه طرفدار سرمایه دار. و باز فرمودند که: "ما مالکین و سرمایه داران بزرگ را پای میز محاکمه می کشیم".

پس از آن، هیئت در اطلاعیه خود به اهمیت قانون اصلاحات ارضی اشاره می کند و می نویسد که این قانون یکی از مهم ترین قوانینی است که بعد از انقلاب در جهت مستضعفین و محرومین جامعه وضع گردیده است، هیئت سپس به مخالفت بزرگ مالکان و ایادی آنان با این قانون پرداخته و در پایان پس از ذکر اینکه مهم ترین مسئله برای روستائیان و روستاهای ما، مسئله زمین بود، مجموعه فعالیت های خود را به شرح زیر ارائه کرده است.

۱- در قسمت بویر احمد؛ حدود ۲۰۰ هکتار زمین از زمین های بیژن و کشاورزی منسوری بین ۴۱ نفر از کشاورزان روستای سروک تقسیم و واگذار گردید که با همکاری برادران جهاد سازندگی زیر کشت رفت.

۲- مقدار ۶۰ هکتار از زمین های اردشیر موسوی پور بین ۳۰ نفر از کشاورزان روستای کریم آباد، اکبر آباد و قوام آباد تقسیم و واگذار گردید.

۳- حدود ۳۶۰ هکتار از زمین های منابع ملی بین ۱۳۰ نفر از کشاورزان روستاهای نجف آباد، تلخسرو، نرگه، مشایخ، کهوا، قوام آباد علیا و سرآب - تاوه تقسیم و واگذار گردید، که با کمک برادران جهاد سازندگی همگی زیر کشت

رفتند. ۴- حدود ۶۰ هکتار زمین، که در سال های گذشته از هشت نفر از کشاورزان قریه دولت آباد گرفته بود، به صاحبان آنها پس داده شد.

۵- حدود ۳۶ هکتار زمین موات توسط هیئت، تحویل اداره آموزش و پرورش استان گردید. و همچنین واگذار کردن چندین فقره باغ و زمین از ساواکی های فراری به کشاورزان منطقه.

۶- قسمت دوم: دهدشت در دهدشت تاکنون حدود ۲۰۰ هکتار زمین موات زیر کشت رفت، علاوه بر چندین مورد استرداد زمین های غصبی به صاحبان آنها.

۷- در شهرستان گچساران از ۸۳۱ هکتار از زمین های منصور باشتی معدوم که توسط دادگاه انقلاب اسلامی اهواز صادر شده بود در منطقه امام زاده جعفر واقع است، ۷۴۴ هکتار آن به ۱۴۵ نفر از کشاورزان کم زمین و بی زمین ۸ روستای اطراف و ۵۵ هکتار آن به یک شرکت تعاونی ۱۱ نفره، که از طرف طرح گسترش تعاونی های روستایی معرفی شده بود و ۱۲ هکتار آن به یک گاوداری و ۲۰ هکتار آن نیز به مجتمع کشاورزی واگذار گردید.

۸- ۳۵۰ هکتار از زمین های ظرفرتا جگردون که باز توسط دادگاه انقلاب اسلامی اهواز صادر شده بود، به ۷۰ نفر از کشاورزان کم زمین و بی زمین ۳ روستای اطراف زمین. مذکور واگذار شد. در ضمن در همین زمین ها حدود ۴۵ هکتار زمین موات واگذار گردید، که حدود ۲ هکتار آن به یک مرغ - داری و ۴ هکتار آن هم به وزارت راه و ترابری جهت ایجاد تاسیسات و بقیه به کشاورزان کم زمین و بی زمین واگذار گردید.

۹- ۴۰۰ هکتار زمین مربوط به محمد آریایی، که توسط دادگاه انقلاب اسلامی اهواز صادر شده بود، به کشاورزان کم زمین و بی زمین ۴ روستای اطراف زمین واگذار گردید.

۱۰- ۶۰ هکتار زمین موات در همین منطقه به ۱۱ نفر از ۳ روستای اطراف زمین واگذار گردید.

۱۱- واگذاری حدود ۱۰۰ هکتار از زمین های زراعی شرکت نفت به کشاورزان مستحق بدون زمین در شهر، که این زمین ها سال های قبل در اختیار کسانی که وضعشان خوب بود، قرار می گرفت، که آنها بصورت نصفه کاری در اختیار افراد دیگری می گذاشتند.

۱۲- وجود آید.

قابل توجه سازمان آب منطقه ای فارس:

تا اختلافات میان روستائیان اطراف رودخانه رودبال بوسر مسئله آب شدت نگرفته است، اقدامات لازم را انجام دهید

عنوان مثال اهالی روستاهای ایچو یا ایچاب و برکرم و ایچهان از یکطرف و اهالی روستاهای بختاچرد، برگان، جمسی، شهنان و غیره از طرف دیگر، بوسر با هم دعوا دارند. گروه اول برای شرب مقداری اراضی دیم کاری خود ۲ جویبار از رودبال احداث کرده - اند، و گروه دوم می گویند که اگر این آب گرفته شود، حاصل زندگی ما از بین می رود. در حال حاضر کار به دعوا و دادگاه کشیده شده است. در صورتیکه همه دهقانان زحمتکش نفع مشترک دارند و باید برادروار، هم بسود خودشان، هم

آب رودبال (داراب) به مصرف کشاورزی غلات و درختکاری (مرکبات) و برنجکاری میرسد. نحوه استفاده از آب این رودخانه طبق عرف محلی است و طی زمان جویبارهایی از آن بصورت مالکی درآمد داشته است. زمین های دیم کاری و موات نیز در اطراف مسیر این رودخانه است. صاحبان یا متصرفان این زمین ها، که افراد مستضعفی نیز هستند، اقدام به احداث جویبار جهت استفاده از آب رودخانه در بخش های شمالی تر برای این زمین ها کرده اند و این باعث اعتراض مالکین و دهقانان روستاهای جنوب غربی داراب گردیده است. به

امام خمینی: اگر به قوانین اسلام عمل شود، هیچ کس دارای زمین های بزرگت نمیشود. مالکیت در اسلام بصورتی است که همه تقریباً در یک سطح قرار میگیرند.



امام خمینی: اگر به قوانین اسلام عمل شود، هیچ کس دارای زمین های بزرگت نمیشود. مالکیت در اسلام بصورتی است که همه تقریباً در یک سطح قرار میگیرند.

نامه‌های مردم به نامه مردم

ولی امروز، هشیاری و وحدت آن سلاح خصم کوب ماست

متی شاعرانوسرشاراز شورانقلابی تحت عنوان "بیاد شهیدان حزب در خوزستان خونین" رسید.

شماری چند از دیگر نامه‌های رسیده:

نامه محمد ب. ماکودان از ماکو، از کرد غرب نامف. ش. پرسش نامه ف. اخوان از فومن، تبریک نامه ج. م. از اصفهان و نامه اکبرف. ی. درباره جنگ تحمیلی صدام دریافت شد.

اشعار

"اسعد هلمت" از سنجند چند شعر بنام های "رفیق توده‌ای"، "جنگ و صلح"، "سوی حزب" و "شهید" را برای ما ارسال داشته است. ن. ن. یکی از رزمندگان توده‌ای جبهه نبرد علیه تجاوزگران صدامی قطعه شعری بنام "نردما" فرستاده است. بیت‌های آغاز آن چنین است: امروز هر جنگجوی جبهه ما عصاره‌ای از عشق است و هر سلاح حجره سرخ‌رهای... "گل سرخ‌زمان" سروده‌ایست از مانوس با پایانی این چنین: در پشت سنگری که قلم‌ها، تفنگ‌هاست چون سایه‌ای ز پیکر اسطوره‌های خلق راسخ‌تر از بنای هرم ایستادام بگذار بشکند گل سرخ زمان ما. * آرتون شعر وحدت، سلاح خصم کوب" را فرستاده است که پاره‌هایی از آن را در زیر می‌آوریم: ... ولی امروز، هشیاری و وحدت آن سلاح خصم کوب ماست. * * * "از کوبیر بلای رزم با دشمن خروشان رودهای اتحاد خلق را یاری رستن هست" به وحدت، ما خدای و دم، هدف، ماست.

شماری چند از اشعار رسیده:

شعر "پیشاهنگ" سروده عباس. ش. "این مردم گذشت" از فرشاد. ن. از فریده. و شعر "یار"، "دوسرود مینام" های "فرزندم، دل‌بندم" و "توبه‌آئین سکوت" از ع. ده‌مبلا، دو شعر م. ی. ارسالی از جبهه شوش، و سروده "بهار آبادان" از اشعری گننام از آبادان دریافت شد. از همه این دوستان سیاست‌گزاریم.

چرا دولت ساختن شهرک نیمه تمام «چشمه» را به هم نه می‌گیرد.

* احمد ا.، یکی از خوانندگان "نامه مردم"، در نامه خود درباره وضع ناسامان شهرک نیمه‌تمام "چشمه" و ضرورت رسیدگی و دخالت دولت برای حل مسائل مربوط به تکمیل ساختمان این شهرک شده است. او در سرآغاز نامه خود می‌نویسد: هیچ رفته‌اید شهرک "چشمه" را ببینید که چطور پدر مردم را در می‌آورند و با زندگی مردم بازی می‌کنند. نگارنده سپس با اشاره به موضوع قرارداد های مردم با شرکت مسئول ساختمان - که نام آن را نبرده است - می‌افزاید:

"من یکی از آنهایی هستم که دارم و ندار خود را فروخته‌ام و با گرفتن وام و قرض و قولی برای بدست آوردن یک سر پناهه مجبور شدم با "شرکت" قرارداد ببندم. من تنها نیستم. کسانی هم هستند که چند سال است قرارداد بسته‌اند، ولی هنوز صاحب خانه نشده‌اند... خلاصه چند سال است پولمان را دادیم و هنوز هم به خاطر خوابیدن کار شرکت خانهای دست ما را نگرفته‌اند... الان نه راه پیش داریم، نه راه پس. آنگاه، نویسنده نامه، با نقل کار - شکی های "شرکت طرف قرارداد" می‌نویسد:

"... سه ماه است که به علت اخطار دولت، شرکت... تعدادی کارگر را مشغول به کار کرده‌است، ولی در این مدت کارگران حقوقی نگرفته‌اند... نمی‌دانیم چرا دولت با قاطعیت با این شرکت، که صاحبانش بیشتر همان سر - سپرده‌های رژیم طاغوت هستند، رفتار نمی‌کند. گذشته از آن چرا خود دولت تمام کردن ساختمان این شهرک را به عهده نمی‌گیرد، چرا به داد ما نمی‌رسد... خود من ده ماه است که با "شرکت" قرارداد بسته‌ام و الان هم...

"نامه مردم" - نمی‌توان انکار کرد که مسئله مسکن یکی از معضلات مهم اقتصادی - اجتماعی است که متأسفانه برنامه کوتاه مدت و دراز مدت هم برای حل آن وجود ندارد. امیدواریم مسئولان مملکتی و بویژه مقامات وزارت مسکن و شهرسازی، ضمن تحقیق و بررسی کافی، به مورد مطرح‌شده در بالا توجه لازم مبذول دارند. * * * هم، دانش آموز دوره نظری، نامه شما به همراه اشعار شاموخواهرتان رسید. * * * طرح الوند از کرمانشاه دریافت شد.

بابر مه آشنا شویم

این گذشته، کارخانه‌های بزرگی برای تولید سیمان، دارو، کود، مواد غذایی، قند و شکر، ماشین‌آلات کشاورزی، و غیره احداث شده است. ۵۰ درصد صنایع بومر در رانگون، پایتخت ایسن کشور متمرکز است.

دولت برمه انحصار بازرگانی خارجی را در دست دارد. ساختار واردات برمه در دهه اخیر، در پرتو پیشرفت‌های کشاورزی و نخستین گام - ها در راه پایه‌گذاری صنعتی ملی - دگرگونی چشمگیر پذیرفته است. از یک - سوسهم کالا های مصرفی و خواربار در واردات برمه کاهش می‌یابد و از سوی دیگر درصد ماشین‌آلات و تجهیزات برای صنعت، کشاورزی و ترابری فزونی می‌گیرد. مهم‌ترین شریکان بازرگانی خارجی برمه عبارتند از: ژاپن، "جامه اقتصادی اروپا"، کشورهای اسکاندیناوی هند، کشورهای "شورای همیاری اقتصادی" (در حدود ۱۰ درصد) و چین. وضع کنونی: در برنامه اقتصادی کنونی (۱۹۷۸-۸۲) گسترش کشاورزی اولویت تام یافته است. قرار است تولید سالانه این بخش بطور میانگین ۶ درصد افزایش یابد. به عقیده کارشناسان، محصول برنج امسال ۱۳/۶ میلیون تن و به مراتب بیشتر از رکورد سال پیش خواهد بود.

دوسوم سرمایه‌گذاری‌ها در برنامه اقتصادی جاری مصرف بخش های دولتی و تعاونی خواهد شد. یکی دیگر از هدف‌های برنامه اقتصادی اکتشاف گسترده تر منابع غنی زیرزمینی (سرب،

کردند. در سال ۱۲۶۵ (۱۸۸۶)، بریتانیا پس از سه جنگ خونین ۱۲۰۴-۱۲۰۳ (۲۶-۱۸۲۴)، ۱۲۳۱ (۱۸۵۲)، ۱۲۶۴ (۱۸۸۵) برمه را زیر استعمار خود گرفت. این کشور در سالهای ۱۳۲۱-۲۴ (۱۹۴۲) در اشغال ژاپن بود. پیکار آزادی بخش ضد فاشیستی و ضد استعماری مردم برمه، زیر رهبری قهرمان ملی برمه، آتونگ سان، که در سال ۱۳۲۴ (۱۹۴۷) به قتل رسید، در ۱۴ دی ۱۳۲۵ (۲۴ ژانویه ۱۹۴۸) به استقلال سیاسی این کشور و خروج همزمان آن از جامعه "کشورهای مشترک المنافع بریتانیا" انجامید.

تا احراز قدرت از سوی "شورای انقلابی" دولت‌های گوناگون بورژوازی بر برمه حکومت می‌کردند، ولی نتوانستند این کشور را به نوابستگی اقتصادی راهبر باشند. در ۱۹ سال اخیر، پس از بروی کار آمدن گروهی از افسران میهن دوست، برمه به سمت - گیری متریقی تری می‌گراید.

اقتصاد: برمه کشوری است کشاورزی. در حدود دوسوم مردم برمه به کشاورزی اشتغال دارند. بیش از نیمی از کشت - زارهای برمه را شالیزارها تشکیل می‌دهند (۱۱/۳۲ میلیون هکتار). یک

نام رسمی: جمهوری سوسیالیستی اتحادیه برمه - سوشلی تا ماتا بی تی دائو نکسومیانما نینانگ دو سرزمین ۶۷۶۵۵۲ کیلومتر مربع برمه در شمال یاختری شیمزیره هندوچین واقع و با هندوستان، بنگلادش، چین، لاؤس، تایلند و خلیج بنگال هم مرز است.

جمعیت: ۳۳/۸ میلیون نفر (۱۳۵۹). ترکیب جمعیت: ۶۵ درصد برمه‌ای، علاوه بر این ۴۰ درصد اقلیت ملی، از جمله کارن‌ها (۱۰ درصد)، و شانها (۷ درصد). ۸۰ درصد مردم در روستاها زندگی می‌کنند.

زبان رسمی: برمه‌ای مذهب: در حدود ۸۴ درصد مردم بودائی هیئایانا هستند. در میان ساکنان کوهستان‌ها (چین، کاجین) هنوز مذهب طبیعی نیز رایج است. بخش کوچکی از مردم مسیحی، مسلمان و هندو هستند. پایتخت: رانگون (۳/۶۳۲ میلیون نفر)؛ دیگر شهرها: مانسالا، مولمین، باسین، سیته، یگوریه. پول: کیات، ۱ کیات = ۱۰۰ پیاس؛ دلار ایالات متحده = ۶/۷۲۷ کیات. حاکمیت: پس از احراز حکومت از سوی "شورای انقلابی" در تاریخ ۱۱ اسفند ۱۳۴۱، قانون اساسی ۱۳۲۷ ملغی اعلام گردید. و پارلمان منحل شد و دولتی جدید بر سر کار آمد. آنگاه ژنرال نوین ریاست "شورای انقلابی" - بالاترین نهاد حاکمیت - و دولت را به عهده گرفت.

پس از فراندوم اوایل زمستان ۱۳۵۳، قانون اساسی جدید تصویب شد. در این قانون اساسی دستاوردهای متریقی کشور و وظایف جدید دولت بر پایه برنامه حزب تعیین گردیده است. به پیشنهاد "حزب برنامه سوسیالیستی برمه"، "مجلس ملی" به عنوان بالاترین نهاد قانون‌گذاری و مرکب از ۲۸۱ نماینده انتخاب و دولت جدید تأیید شد. "شورای حکومت" و "شورای دولت" در برابر "مجلس ملی" مسئول هستند. نوین، صدر "شورای حکومت" در عین حال، رئیس جمهور این کشور است.

آخرین انتخابات "مجلس ملی" و "شورای مردمی" در سطوح محلی در اوایل زمستان ۱۳۵۷ برگزار گردید. برمه به ۷ ایالت اقلیت‌های ملی (آراکان، چین، کاجین، کایاه، مون، شان) و ۷ استان تقسیم می‌شود.

احزاب: در سال ۱۳۴۳، "شورای انقلابی" احزاب موجود را غیر قانونی اعلام کرد و تنها "حزب برنامه سوسیالیستی برمه" اجازه داد فعالیت یابد. این حزب در سال ۱۳۵۰، پس از اولین کنگره خود، به حزبی توده‌ای بدل شد. پایه سیاسی این حزب "برنامه (دراژمدت) راه برمه سوسیالیسم" است. این حزب سه سال پیش ۸۲۹ هزار عضو و نامزد داشت. تاریخ: در برمه تا سده نوزدهم خاندان‌های گوناگون سلطنت می‌



روی، نیکل، کوبالت، طلا، منگنز، ذغال سنگ، قهوه‌ای نفت) خواهد بود. قرار است که امسال استخراج نفت به ۲/۲۹۵ میلیون تن افزایش یابد. (۱/۴۸۵ میلیون تن: ۱۹۷۹).

دولت برمه همچنین در راه بهبود وضع زحمتکشان این کشور کوشا است. در زمینه برنامه‌های اجتماعی، آموزش و پرورش از توجه خاص برخوردار می‌شود. در ۱۹ سال اخیر سرمایه‌گذاری سال گذشته، یک میلیون برمه‌ای کلان - سال سواد خواندن و نوشتن آموختند. دولت برمه، با برنامه‌های جامع، به بهبود بهداشتی و بهداشت در روستاها اقدام کرده است. زیرساز اقتصادی نیز از توجه ویژه بهره‌مند می‌گردد.

دولت برمه در اصلاحات اقتصادی - اجتماعی با دشواری‌هایی چند روبروست. از آنجا که مناسبات اقتصادی برمه بویژه با کشورهای سرمایه‌داری است، این کشور از پیامدهای بحران اقتصادی جهان سرمایه - داری خورم بی‌کاری، افزایش هزینه زندگی، بایمن نمانده است. از دیگر مسائل دشواری که برمه با آن باید دست و پنجه نرم کند، افزایش انفجار گونه جمعیت است، که افزایش تولید ناویژه اجتماعی با آن تابق را ندارد.

برمه در سیاست خارجی خود از سیاست عدم تعهد پیروی می‌کند،

دهم شالیزارها آبیاری و در آن‌ها سالانه دو بار محصول برداشته می‌شود. دیگر محصولات کشاورزی برمه عبارت است از: نیشکر، کف، پنبه، کنجد و تنباکو. فزون بر برنج، چوب‌آمل، مهم - ترین فرآورده صادراتی برمه را تشکیل می‌دهد (در حدود ۲۷ درصد درآمد صادراتی).

در آغاز سالهای ۷۰ دگرگون - سازی‌های بنیادی در بخش کشاورزی برمه صورت گرفت. اصلاحات ارضی مالکیت زمین را بسیار محدود کرد و توده‌های دهقان را از بند دیون برده‌سازرهای بخشید.

تشکیل تعاونی‌ها در کشاورزی به عنوان مهم‌ترین وظیفه اقتصادی اعلام شد. هر چند امروزه نیز خرده مالکیت خصوصی در کشاورزی برمه تا اندازه - یی بسیار محدودی وجود دارد، ولی اکثریت عظیم دهقانان در نزدیک به ۲۵۰ هزار تعاونی تولید، خرید و فروش تشکل یافته‌اند. فزون بر این، کار بست هر چه بیشتر مسائل و شیوه‌های مدرن در کشاورزی در سالهای اخیر به افزایش پیوسته تولید این بخش انجامیده است.

بر پایه برنامه‌های دراز مدت، صنعتی کردن کشور برمه، در درجه نخست، به ایجاد و توسعه رسته‌های برداشته است که از وابستگی وارداتی آن بتدریج بکاهند. مهم‌ترین این رشته‌ها عبارتست از: صنایع تبدیلی، برنج و چوب کاوش و لایش، نفت، نساجی و معادن، از

به مناسبت ...

بقیه از صفحه ۳

چرا اینقدر عریضه می‌کنی؟ چرا اینقدر دم از ترقی می‌زنی؟ ... اگر مملکت ما اشغال آمریکا است، اعلام کنید، پس ما را از این مملکت بیرون بریزید... چه می‌خواهند بکنند؟ این دولت به ما چه می‌گوید؟ این مجلس با ما چه کرد؟ این مجلسی که فتوا و به حکم مراجع تقلید تحریم شده است، این مجلسی که به دادعای دم از استقلال و انقلاب می‌زند و می‌گوید ما از انقلاب سفید آمدم، من نمیدانم کجاست این انقلاب سفیدی که اینقدر ووی آن چارو چنگال برآه نداخته‌اند؟ خدا می‌داند که من مطلعم ورنج می‌برم. من مطلعم از این دهات و شهرستان‌های دور افتاده و از این قم...

برای این مملکت فکری کنید. اینقدر قرض روی قرض بالا نیاورید. اینقدر نوکر نشوید... امروز تمام گرفتاری‌های ما از آمریکا است، تمام گرفتاری‌های ما از اسرائیل است. اسرائیل هم از آمریکا است. این وکلا هم از آمریکا هستند. این وزرا هم از آمریکا هستند. همه دست نشاندگان آمریکا هستند. اگر نیستید، چرا در مقابل آن نمی‌ایستید و داد بزنید؟

این خروش انقلابی رژیم را ناچار ساخت، امام خمینی را به ترکیه تبعید کند. تبعیدی که آغاز مبارزات طولانی بود، که ۱۵ سال بعد به ثمر رسید و امام خمینی، در میان استقبال چند میلیونی به میهن بازگشت، میهنی که مردمش بر رهبری امام خمینی رژیم شاهنشاهی را به زباله‌دان تاریخ انداخته بودند.

مردم، اول آذر ۱۳۵۳



در جلسه علنی دیروز مجلس شورای اسلامی گفته شد:

سرمایه داران و تجار جلو ملی شدن تجارت خارجی را می گیرند

● سود ۱۲۰۰ میلیارد ریالی بخش خصوصی در تاریخ بازرگانی ایران بی سابقه بوده است
● هم مسلمانان و هم غیر مسلمانان در تحقق انقلاب نقش داشتند.

در جلسه علنی دیروز مجلس شورای اسلامی، که به ریاست حجت الاسلام هاشمی رفسنجانی تشکیل شده، یکی از نمایندگان در مورد فعالیت های سرمایه داران و ملاکین بزرگ در جمهوری اسلامی ایران هشدار داد.

اولین ناطق قبل از دستور جلسه علنی دیروز، رضا اصفهانی، نماینده مردم ورامین، طی سخنانی با اشاره به خصوصیات انقلاب ایران و وحدت همه اقشار در به پیروزی رساندن آن گفت:

«برای تحقق این انقلاب اسلامی تنها مسلمانان نبودند که تلاش می کردند، اقلیت های مذهبی و افراد دیگر هم (بودند که) احساس می کردند اگر چنین حکومتی برقرار شود، آنها در سایه عدل و قسط اسلامی با آن اوصاف زندگی خواهند کرد.»

وی همچنین با اشاره به هدف های انقلاب گفت:

«ما می بینیم همه افراد، اعم از مسلمان و غیر-مسلمان، برای تحقق انقلاب تلاش می کردند، صرفاً برای معنویت نبود، که حالا هم نیست و بعدها هم کمتر خواهد بود.»

رضا اصفهانی آنگاه با اشاره به مسائل اقتصادی جامعه از جمله گفت:

«تا سرمایه داری در جامعه ما وجود داشته باشد، ولو آنها که ادعای تدین و تقدس می کنند و از سهم امام می دهند، باین عنوان که ما چه می کنیم و چه می کنیم. (وضع کشور سامان نمی گیرند). این شوخی نیست که ۱۲۰۰ میلیارد بخش خصوصی سودبرده باشد که در تاریخ بازرگانی و بخش خصوصی ایران بی سابقه است. این مسئله شوخی نیست. ما یک جامعه مستضعف هستیم. این همه فقیر، این همه بینوا، این همه کسانی که هنوز که هنوز است برای نان شب خود لنگ هستند.»

وی افزود: «در بعد اقتصادی و در بعد تجاری، الان دارند تلاش می کنند برای بقای همینها (سرمایه داران و تجار)، برای بقای تجارت خارجی، که طبق قانون اساسی، که یکی از متبلورترین اصول قانون اساسی است، الان دارند تلاش می کنند که جلو ملی شدن این مسئله را بگیرند.»

وی همچنین به مسئله ملاکین بزرگ پرداخت و از جمله گفت:

«همین پریش بود که گفته شد، یکی از همین ملاکین بزرگ چند نفر را کشته است.»

صلاح الدین یانی، نماینده اهل تسنن خواف، دومین ناطق قبل از دستور جلسه دیروز، طی سخنانی از جمله تأکید کرد: «اجرای بند «ج» قانون اصلاحات ارضی از موارد ضروری و لازم است، زیرا کشاورز بی زمین انتظار دارد که دولت اسلامی هر چه زودتر وسیله کار وی را فراهم کند، تا پیش از این دسترنج وی به جیب ثووال گردن کلفت نرود و جای تأسف است که هنوز افرادی در خراسان و جاهای دیگر ایران باشند که هزاران هکتار زمین دارند و حال اینکه در همین حوزه انتخابیه خود کل قراء ورود خواف ... که جمعیت آنها حدود ۲۵ هزار نفر است، پنج هزار هکتار زمین ندارد، ولی خانواده «قریشی» تنها اکنون ده هزار هکتار زمین دارد و باز جای تعجب است که در خراسان زمین فردی که کلانچاه هکتار می شود، گرفته شده، ولی زمین این خانواده که ۱۰ هزار هکتار است، هنوز هم گرفته نشده است.»

آنگاه حجت الاسلام هاشمی رفسنجانی، طی سخنانی، تذکر چندتن از نمایندگان را قرائت کرد. وی از جمله به تذکر احمد علیزاده، نماینده قائمشهر، به وزیر مسکن در خصوص تکمیل ۱۲۰۰ ساختمان مسکونی مربوط به کارگران این منطقه، اشاره کرد.

رئیس مجلس همچنین تذکر نماینده سراب در خصوص تأمین مواد سوختی این منطقه و تذکر نماینده آستارا را در خصوص لزوم تکمیل ساختمان دانشسرای این شهر به اطلاع نمایندگان رساند. سپس مجلس وارد دستور شد و بحث در مورد جزئیات لایحه چهار دوازدهم بوجه ادامه یافت.

تجارت...

بقیه از صفحه ۱

این واقعیت را تأیید کرد که تجارت خارجی یکی از عمده ترین مجاری تسلط سرمایه های انحصاری امپریالیستی بر اقتصاد کشور، یکی از مجاری تأمین غارت مشترک غارتگران خارجی و داخلی و فرار بدون مانع عمده ترین بخش از ثروت های ملی و محصول رنج زحمتکشان کشور، است.

درست برپایه همین شناخت، در قانون اساسی جمهوری اسلامی مسئله ملی کردن تجارت خارجی به عنوان یکی از اصول مهم اقتصادی در نظر گرفته شده است. اجرای تام و تمام و بدون خدشه این اصل قانون اساسی جمهوری اسلامی از مهم ترین خواست های مردم ایران در راه تأمین استقلال اقتصادی است.

حزب توده ایران بر آن است که این اصل در تمام ابعادش در کوتاهترین مدت به موقع اجرا در آید. حزب توده ایران بر آن است که در چهارچوب تجارت خارجی ملی شده، تمام مبادلات اقتصادی با دنیای خارج باید بر اساس زیر استوار باشد: الف - برای واردات: مرغوبیت کالا و مناسب بودن بها و اجتناب از هرگونه قید و شرط سیاسی؛ ب - برای صادرات: مناسب بودن قیمت و اجتناب از پذیرش هرگونه قید و شرط تحلیلی.

اعلامیه سازمان حزب توده ایران در لارستان فارس:

توقف کار جهاد سازندگی لارستان بسود انقلاب نیست

نهاد های انقلابی، مانند جهاد سازندگی و سپاه پاسداران، برای مقابله با توطئه های ضدانقلاب دارای اهمیت حیاتی است، تعطیل جهاد سازندگی لارستان، تحت هر عنوانی که صورت گرفته باشد، بضع انقلاب و جمهوری اسلامی ایران نیست.

سازمان حزب توده ایران در لارستان فارس مصراً خواستار از سرگیری فعالیت مجدد جهاد سازندگی لارستان و تأمین تسهیلات و امکانات لازم برای گسترش فعالیت آن از طرف مقامات مسئول جمهوری اسلامی ایران است.

لارستان و بویژه روستائیان زحمتکش انجام داده و فعالیت آن در منطقه مورد تأیید و استقبال مردم مبارز لارستان قرار گرفته، فعالیت خود را متوقف کرده است. منطقه وسیع لارستان، که ۲۶ هزار نفر جمعیت و ۴۵۰ پارچه آبادی را شامل می شود، گذرگاه ایلات و عشایر است و باین ترتیب خوانین و ضدانقلابیون منطقه امکان این را دارند که توطئه های رنگارنگ علیه جمهوری اسلامی ایران سازمان بدهند. در چنین شرایط حساسی که تقویت

بدنبال توقف فعالیت جهاد سازندگی لارستان، که خدمات ارزنده ای برای زحمتکشان این ناحیه انجام داده است، سازمان حزب توده ایران در لارستان، با انتشار اعلامیه ای، خواستار ادامه فعالیت این نهاد انقلابی شد. متن اعلامیه بشرح زیر است:

«با نهایت تأسف مطلع شدیم که جهاد سازندگی لارستان فارس، که از آغاز تشکیل خود تاکنون خدمات ذیقیمتی به نفع توده های محروم و مستضعف

قابل توجه مسئولین:

تکمیل ساختمان پلهای ارتباطی شهر جیرفت، ضروری است

جیرفت به بندرعباس، که ساختمان آن به عهده شرکت «ستاک» است، دچار «خوردگی» شده است که ترمیم نکردن این «خوردگی ها» باعث به خطر افتادن اسفالت و زیرسازای این چاره خواهد شد. ما ضمن جلب توجه مسئولین بخصوص در وزارت راه و ترابری، از آنها می خواهیم که هر چه سریعتر به ترمیم و تکمیل ساختمان پلها و جاده جیرفت به بندرعباس بپردازند و از این راه از وارد آمدن خسارات به مردم منطقه جلوگیری کنند.

قادر به عبور از این پلهای نیستند. هر ساله در این راه چندین دستگاه کامیون در آب می افتند و از بین می روند. از جمله در پارتدگی اخیر ۴ دستگاه کامیون، که ۲ دستگاه آن حامل مساسه بود، به همین علت دچار خساراتی شدند، بویژه آنکه به علت کمبود وسایل موتوری و وسایل یدکی، امکان تعمیر کامیونها و وسایل موتوری خسارت دیده، وجود ندارد.

به اتمام رساندن ساختمان ۲ پل ارتباطی شهر جیرفت - بندرعباس موجب وارد آمدن خسارت زیادی به وسایل نقلیه موتوری در این منطقه شده است.

ساختمان این ۲ پل، که به عهده شرکت پیمانکاری پرهام است، تاکنون، علیرغم انجام قسمت اعظم کار، به اتمام نرسیده است. به همین جهت در روزهای بارانی، که رودخانه های شور و ملتی طغیان می کنند، وسایل نقلیه، بخصوص کامیونها حامل سوخت و تره بار،

لازمه انقلاب فرهنگی...

بقیه از صفحه ۱

در اعلامیه کمیته مرکزی حزب توده ایران (۵۹۳۱۰) آمده است: «... اینکه سیستم آموزشی عالی باید در انطباق با نیازمندی های انقلاب ما دگرگون شود، امری است مورد توافق همه نیروهای اصیل انقلابی و نباید بهانه ای برای تعطیل طولانی دانشگاه ها باشد.»

ولی این دگرگونی را نمی توان یکسبه و توسط مقامات غیرمسئول انجام داد. لازمه ایجاد تحول اساسی در سیستم آموزشی تبادل نظر و مشورت همه سازمانها و احزاب مترقی، نمایندگان واقعی اساتید و دانشجویان و بهره گیری از سنن فرهنگ ملی و دستاوردهای علوم تریستی است. این کار با تعطیل طولانی دانشگاه ها امکان پذیر نیست...»

ما ضمن تأیید آن اقدامات مثبتی که توسط «ستاد انقلاب فرهنگی» و دانشجویان مسلمان دست اندرکار «انقلاب فرهنگی» در جهت تغییر بنیادی نظام آموزش عالی انجام گرفته، همواره اعلام کرده ایم که انقلاب فرهنگی را با تعطیل درازمدت مراکز آموزش عالی ملازم نمی دانیم و بر ضرورت انجام دگرگونی های بنیادی در نظام آموزش عالی، در شرایط فعالیت ترمیم بخش و خلاق مراکز آموزش عالی تأکید کرده ایم. به نظر ما، در چنین شرایطی است که تغییر بنیادی نظام آموزش عالی می تواند به معنای واقعی آن، همپای دگرگونی های بنیادی در دیگر عرصه های اجتماعی و اقتصادی و فرهنگی، تحقق یابد. ما پیامدهای ناگوار تعطیل درازمدت دانشگاه ها و مدارس عالی را در نامه سرگشاده خویش خطاب به شورای انقلاب فرهنگی - مورخه ۵۹۱۲۱۰ شماره ۱۰ «نامه مردم» شماره ۶۱ - برشمرده ایم و آمادگی خویش را برای هرگونه همکاری مثبت و سازنده در جهت دگرگونی بنیادی نظام آموزش عالی و شروع فعالیت ترمیم بخش و سازنده دانشگاه ها و مدارس عالی در جهت منافع انقلاب و رشد و شکوفایی جمهوری اسلامی ایران اعلام داشته ایم. ما در اعلامیه مورخ ۱۳۶۰/۰۳/۳۱، به دنبال پیام امام خمینی، رهبر انقلاب و بنیانگذار جمهوری اسلامی ایران، پیشنهاد های خویش را برای شروع فعالیت دانشگاه ها و مدارس عالی در محیطی آرام و سازنده بیان کرده ایم.

نویسنده مقاله مدعی است که گویا دانشجویان توده ای «صحنه را ترک نمودند، درحالی که از تعطیل دانشگاه عصبانی و ناراحت بودند».

در اینجا تذکر این نکته لازم است که دانشجویان توده ای هیچگاه صحنه را ترک نکردند. دانشجویان توده ای بمنظور جلوگیری از هرگونه تشنج و درگیری در شرایط حساس آن زمان، نخستین گروه دانشجویی بودند که طی اعلامیه مورخ ۵۹۱۳۰ «سازمان جوانان و دانشجویان دمکرات ایران»، دفاتر خویش را در دانشگاه ها تعطیل کردند. ما این تشنج ها را، که همزمان سراسر شهرهای دانشگاهی ایران را دربر گرفت، جزئی از توطئه امپریالیسم در جهت زمینه سازی براندازی انقلاب و جمهوری اسلامی ایران ارزیابی کردیم. وقایع طبعاً صحت این ارزیابی ما را، که بعدها مورد تأیید بسیاری از نیروهای انقلابی دیگر نیز قرار گرفت، به اثبات رسانید. از اینرو، دانشجویان توده ای، بمنظور جلوگیری از تشنج و درگیری، به حضور فعال خویش در صحنه ادامه دادند، در تمام شب و روز واقعه دانشگاه در میان دانشجویان درگیر حاضر بودند و مرتباً کوشش کردند، تا آنها را از ادامه درگیری و اشاعه تشنج و آشوب برحذر دارند و مانع سوءاستفاده ضدانقلاب گردند. فعالیت دانشجویان توده ای به حدی چشمگیر بود که حتی سردمداران بعضی از گروه های مافوقیست، هرچا با جمعی روبرو می شدند که درباره نادرستی جریانات بحث می کردند، اعتراض می کردند که «گول توده ای ها را نخورید!»

ما برای اطلاع گردانندگان نشریه «وحدت» حاضریم که مشروح نظریات خویش و کلیه اعلامیه ها و اسنادی را که در ارتباط با انقلاب فرهنگی و تعطیل دانشگاه ها و مدارس عالی منتشر کرده ایم، در اختیار آنان بگذاریم و امیدواریم که آنان با ادله منطقی به ارزیابی این اسناد بپردازند.

ما برای تشریح نظریات خویش درباره انقلاب فرهنگی و «مسئله دانشگاه ها» نمایندگان «دفتر تحکیم وحدت انجمن های اسلامی و سازمان های دانشجویان مسلمان» را به یک مناظره دعوت می کنیم و حاضریم که مشروح این مناظره را در نشریه خود ضمیمه نامه مردم برای جوانان توده درج کنیم. دبیرخانه سازمان جوانان توده ایران ۱۳۶۰/۳/۸

برای مقابله با تجاوز نظامی آمریکا، تمام خلق باید از نظر نظامی مجهز شود!

پیام شاد باش

سازمان ایالتی حزب توده ایران در فارس

بمناسبت تشکیل هفدهمین پلنوم (وسیع) کمیته مرکزی حزب توده ایران

رفقای گرامی کمیته مرکزی حزب توده ایران سازمان ایالتی حزب توده ایران در فارس، بمناسبت برگزاری هفدهمین پلنوم (وسیع) کمیته مرکزی حزب توده ایران همراه با درودهای گرم و رزمجویانه، به شما صمیمانه شادباش میگوید.

تشکیل هفدهمین پلنوم (وسیع) کمیته مرکزی حزب توده ایران، حزب طراز نوین طبقه کارگر ایران، بدون تردید حادثه ای دارای اهمیت تاریخی است.

مصوبات این پلنوم، اعم از گزارش سیاسی و برنامه حزب و دیگر اسناد، شاخص آنست که رهبری حزب ما، با انطباق خلاق جهان بینی علمی خود بر شرایط بفرنج جامعه انقلابی ما و استفاده از تجربیات ارزشمند حزب در دوره حیات پرفراز و نشیب خود، بروشنی و با دقت راه تثبیت، تحکیم و گسترش انقلاب ضد امپریالیستی و مردمی میهن ما را نشان میدهد. برنامه حزب ما بخوبی توانسته است شاهراه ایجاد ایرانی مستقل، آزاد و آباد را ترسیم کند و آنرا پیش پای نیروهای انقلابی ایران قرار دهد.

هفدهمین پلنوم (وسیع) کمیته مرکزی حزب، نشانگر انسجام و یکپارچگی بی سابقه در دوران چهل ساله حزب ما است. همه سازمانهای حزبی و تمام اعضاء و هواداران حزب در فارس برنامه مصوبه این پلنوم را چراغ راهنمای خویش قرار می دهند و برای رهائی و خوشبختی زحمتکشان و استقلال، آزادی، سربلندی و شکوفائی میهن عزیز ایران تمام نیروی خود را بکار میبرند و وحدت سازمانی، سیاسی و ایدئولوژیک حزب را همچون مردمک چشم عزیز میدارند و آنرا حفظ می کنند. برقرارباد جبهه متحد خلق، ضامن تثبیت و تحکیم و گسترش انقلاب شکوهمند مردم ایران!

زنده باد حزب توده ایران، حزب طراز نوین طبقه کارگر ایران!



نخستین سند

«گردهمایی مادرید»

در «گردهمایی مادرید»، شرکت کنندگان اروپایی تدوین نخستین سند این گردهمایی را پایان دادند. این سند به امنیت منطقه مدیترانه مربوط می‌شود. «گردهمایی مادرید» در چارچوب کنفرانس امنیت جمعی اروپا برگزار می‌شود.

در چهار ماه اخیر

«خونتا»ی السالوادور

تزدیک به ده هزار نفر

را کشته است

بگزارش «کمیسرون حقوق بشر السالوادور»، در سال میلادی جاری (۱۱ دی ۵۹ تاکنون) نزدیک به ۱۰ هزار مین دوست السالوادوری جان خود را از دست داده‌اند. این کمیسرون «خونتا» را متهم ساخته است، که «جنگی واقعی» را علیه خلق کشور خود آغاز کرده است. نیروهای «خونتا» بی در پی به عملیات تیزی علیه مردم دست می‌زنند. این عملیات از سوی کارشناسان نظامی آمریکاجاری می‌شود.

رهبران چین و پاکستان مذاکره درباره تحکیم مناسبات نظامی را آغاز کردند

در اسلام‌آباد، گفتگو میان ضیاعالحق، رئیس‌جمهور پاکستان و ژائوزیان، نخست‌وزیر چین، آغاز شد. ژائوزیان روز دوشنبه ۱۱ خرداد ۶۰ برای سفری چهار روزه وارد پاکستان شد. بعقیده ناظران، تحکیم روابط نظامی میان پکن و اسلام‌آباد مهمترین موضوع این گفتگو خواهد بود. کمک نظامی - اقتصادی چین به پاکستان تاکنون متجاوز از ۲۰۰۰ میلیون دلار بوده است. چین، در کنار آمریکا، از خاک پاکستان برای تعلیم و تجهیز تروریست‌های افغانی استفاده می‌کند.

بگین:

تهاجمات مسلحانه اسرائیل با آگاهی قبلی آمریکا صورت گرفته است

در نخستین ساعات روز ۱۲ خرداد ۶۰، در بیروت و نزدیکی زحله مبادله آتش میان فالانژیست‌ها و نیروهای پاسدار صلح عرب در گرفت. این برخوردها به تحریک راستگرایان لبنان آغاز شد، که از هواداری اسرائیل برخوردارند. گزارش‌های رسیده حاکی است که ده‌ها تن کشته و یابرجروح شده‌اند. از سوی دیگر، جدایی‌طلبان لبنان نیز به تحریکات خود در جنوب لبنان ادامه می‌دهند.

منابع بگین، روز دوشنبه ۱۱ خرداد ۶۰، بار دیگر به تهدید «نیروهای پاسدار صلح عرب» پرداخت. بگفته بگین، آمریکایی‌ها قبلاً از همه اقدامات مسلحانه اسرائیل علیه لبنان آگاهی یافته‌اند.

«سازمان آزادیبخش فلسطین»:

سازمان جاسوسی اسرائیل در قتل نماینده «سافی» در بلژیک دست داشته است

«سازمان آزادیبخش فلسطین» قتل نماینده خود را در بلژیک بمنزله «اقدامی از سوی تروریسم بین‌المللی» توصیف کرده است. وی روز ۱۱ خرداد ۶۰ در یکی از شهرهای بروکسل بقتل رسید. عبدالرحمن عبدالرضا، نماینده «سازمان آزادیبخش فلسطین» در دمشق، سازمان جاسوسی اسرائیل را به شرکت در این قتل متهم کرد. بگفته او، این رویداد «ماهیت تروریستی» حکمرانان اسرائیل را به‌ثبوت می‌رساند.

اوضاع بنگلادش بحالت عادی بازگشته است

بگفته عبدالستار، رئیس‌جمهور موقت بنگلادش، مردم از کودتای نافرجام هفته پیش پشتیبانی نکردند. روز شنبه ۹ خرداد ۶۰، شورشیان چیتاکونگ، بسرب کردگی ژنرال منصور، ضیاع - الرحمان، رئیس‌جمهور بنگلادش را کشتند، ولی نیروهای مسلح هوادار دولت سرانجام بهسرب کودتا موفق شدند. در این میان، اوضاع بنگلادش بحالت عادی بازگشته و ارتباط میان بنگلادش و دیگر کشورهای جهان برقرار شده است. انتخابات ریاست جمهوری بنگلادش در عرض شش ماه آینده برگزار خواهد شد. قرار است سرکردگان کودتا بزودی محاکمه شوند. بگزارش خبرگزاری‌های غربی، محافل ارتشی بنگلادش، ژنرال منصور، رهبر کودتا را بعنوان عنصر متقابل به چین توصیف کرده‌اند.

عوامل ضدانقلاب، تحت پوشش «حزب الله» باندهای ترور تشکیل داده‌اند

عوامل ضدانقلاب اخیراً به نام «حزب الله» به تشکیل باندهای ضربت دست زده‌اند و به «شکار» نیروهای انقلابی، که در دفاع از انقلاب و جمهوری اسلامی ایران فعالیت می‌کنند، پرداخته‌اند. این عوامل از جمله در روز ۱۰ اردیبهشت ۶۰، یکی از افرادی را که به پخش تراکتها و چسباندن پوسترهای مربوط به اول ماه مه، روز جهانی کارگر مشغول بود، ربودند و پس از مذبذب کردن وی، در حوالی نیابوران و خارج از شهر رهائی کردند. عوامل ضد انقلاب در این عمل راه‌نانه، خود را «حزب‌اللهی» معرفی و قصدشان را کشتن این گونه افراد عنوان کردند. این عمل که نظایر آن تاکنون

آقای معاون! توده‌ای‌ها اعتصاب و توطئه نمی‌کنند

بدنبال اعتصاب ۲۰۰ تن از کارکنان «تلویزیون آموزشی»، که به گزارش روزنامه اطلاعات به مازادبراحتیاج شناختن ۸ تن از همکاران خود معترض هستند، آقای امیر خلیلی، معاون تلویزیون آموزشی، به خبرنگار روزنامه اطلاعات ازجمله گفته است:

۳- توده‌ای‌ها بنابر مشی اصولی و انقلابی حزب توده ایران - که شما قاعدتا باید از آن مطلع باشید - در شرایط کنونی با هرگونه اعتصاب مخالفند و درحدتوان خود از آن جلوگیری میکنند. توده‌ای‌ها با تمام نیروی خود با هرگونه توطئه علیه انقلاب و جمهوری اسلامی ایران مبارزه میکنند. لذا اگر هم توده‌ای‌ها در «تلویزیون آموزشی» بودند - که نیستند - نه اعتصاب میکردند و نه توطئه - نسبت اعتصاب و توطئه به توده‌ای‌ها دادن، افتزای محض است.

۴- گزارش روزنامه اطلاعات و اظهارات خود شما نشان میدهد که رفتار شما چیزی غیر از ناراضی‌تراشی نیست. وقتی روشی منجر به اعتصاب ۲۰۰ نفر - که ما با آن مخالفیم - آنهم در «تلویزیون آموزشی» بشود، صرفنظر از نیت تصمیم‌گیرندگان، نشانه آنست که شما نتوانسته‌اید مرز واقعی بین انقلاب و ضدانقلاب را تشخیص دهید و این عدم تشخیص، که منجر به اتخاذ آن روش و پیامد آن - اعتصاب - شده، عملاً به زیان انقلاب است.

بنظر ما می‌باید از همه نیروهای هوادارانقلاب و جمهوری اسلامی ایران، صرفنظر ازعقایدسیاسی، مسلکی و مذهبی، و حتی از نیروهایی که عمل ضدانقلابی نمی‌کنند، بسود انقلاب استفاده کرد. امید ما آنست که معاون «تلویزیون آموزشی» و همه مسئولان و دست‌اندرکاران این توصیه‌ها را، که بصلاح آنها و بسود انقلاب است، بپذیرند. دبیرخانه کمیته مرکزی حزب توده ایران ۱۳۶۰۳۱۴

«عناصری در ابتدای انقلاب بعنوان شورای تولید ارکان این سازمان را در دست داشتند و سران اصلی این شورا عناصر وابسته به حزب توده بودند و به محض ورود ما به اینجا شروع به اعلامیه‌پراکنی کردند و طبق مشی حزب توده، که سعی دارد بصورت حلقه‌وار در همه‌جا نفوذ کند و مدیریت را جهت بدهد و درخودش حل کند...» آقای معاون حرف خود را در اینجا ناتمام گذاشته و پس از اعلام اینکه ۸ نفر را مازاد براحتیاج تشخیص داده‌اند، اضافه کرده است: «منها از دوهفته پیش متوجه توطئه تشکیلاتی از طریق همان شورای سابق شدم.» (اطلاعات - ۱۲ خرداد ۱۳۶۰)

سخنان آقای خلیلی، که معاونت ارکان مسمی مانند «تلویزیون آموزشی» را دارند، سبب‌نهایت تأسف و تعجب ما شد. لازم است به ایشان یادآوری کنیم:

۱- توده‌ای بودن جرم نیست، افتخار است. توده‌ای‌ها هم، مانند همه مردم ایران، طبق مواد ۲۷ و ۲۸ قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران، حق دارند در همه‌جا کار کنند. حضور آنها را در ادارات مختلف «نفوذ» دانستن، مخالف مواد ۲۷ و ۲۸ قانون اساسی ایران است که حق کارکردن را، بدون تقشیش عقاید، از آن همه مردم ایران دانسته است. مایه نهایت تأسف و تعجب است که معاون «تلویزیون آموزشی» خلاف اصول قانون اساسی سخن بگوید و عمل کند.

۲- «نفوذ» توده‌ای‌ها، اتهام رادیوهای ضد

«تمدن بزرگ» برای کودکان



به مناسبت ۱۱ خرداد، روز جهانی کودک، نمایشگاهی از شصت و شش عکس بهروز رشاد، در محل «کانون صنفی فرهنگیان ایران» برپا شده است. عکس‌های نمایشگاه صحنه‌هایی از زندگی مردم بلوچستان، بویژه کودکان این سرزمین محروم، در دوران پیش از انقلاب را دربر می‌گیرد و بیش از هر چیز فقر و حشمتکشان این خطه را در ابعاد گوناگون نشان می‌دهد. بهروز رشاد درباره نمایشگاهی که برپا کرده می‌گوید: «عکس‌های ارائه شده در این نمایشگاه بطور کلی زندگی کودکان فقیر ایرانی را نشان میدهد و می‌توان بانگریستن بر آنها، چگونگی زندگی اکثریت مردم ایران را در رژیم ستمشاهی حس کرد و هویت واقعی «تمدن بزرگ» را بهتر شناخت».

په خواستهای کارگران کوره‌پزخانه‌های همدان سریعاً رسیدگی کنید

۳۰۰۰ کارگر ۱۵۰ کوره‌پزخانه همدان، از روز ۹ خرداد ۶۰، برای افزایش دستمزد، دست‌به‌اعتصاب زده‌اند. بنابر اطلاعات رسیده، این کارگران که خواستار دریافت دستمزدی معادل ۱۵۰ تومان برای هر ۱۰۰۰ آجر هستند، پیش از شروع اعتصاب، نماینده‌ای به منظور مذاکره با مسئولین وزارت کار به تهران فرستادند، که ظاهراً نتیجه‌ای نبخشید. در حال حاضر خواستهای این کارگران افزایش یافته است و آن‌ها علاوه بر طرح خواست خود در مورد دستمزد، خواستار رسیدگی به وضع غذا، بهداشت، سوخت، مسکن و تشکیل شرکت تعاونی نیز هستند. این کارگران تعدادی نماینده انتخاب کرده‌اند که در حال مذاکره با مسئولین وزارت کار در منطقه و درجهاد سازندگی هستند.

ما ضمن پشتیبانی ازخواستهای این کارگران، از مسئولان امر می‌خواهیم که هرچه زودتر از گسترش اعتصاب جلوگیری کنند و به خواستهای حقه کارگران پاسخ مثبت دهند. په کارگران اعتصابی نیز گوشزد می‌کنیم که در شرایط کنونی مملکت، بر آنها است که در محیطی تفاهم‌آمیز به حل مشکلات بپردازند، و از اعتصاب، که می‌تواند مورد سوء استفاده ضدانقلاب قرار گیرد، بپرهیزند.

Advertisement for 'Mardom' newspaper. It includes the title 'نامه مردم' (Mardom), the address 'ارگان مرکزی حزب توده ایران' (Central Organ of the Tudeh Party of Iran), and a list of subscription prices in various currencies (DM, Fr., Sch., P., L., Cts, Skr.) for different countries like West-Germany, France, Austria, England, Belgium, Italy, U.S.A., and Sweden. It also mentions the issue number 'No. 527' and the date '3 June 1981'.

باتشکیل شورای تفاهم ملی، جبهه متحد خلق را پی بریزیم